



پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۱۲۲ / سال یازدهم / خرداد ماه ۱۴۰۲ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



بدرود جابر فرجاد، رفیق کارگران



ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۱۲۲ / سال یازدهم / خرداد ۱۴۰۲ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.



در این شماره می خوانید:

اطلاعه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۸

در پروژه زیرسازی راه آهن مبارکه شهر کرد چه می گذرد؟ ص ۱۶

چرا اعتصاب شد! ص ۱۸

مصاحبه سهراب مزگانی با خبرگزاری ایلنا ص ۲۰

یکشنبه های اعتراض! ص ۲۱

مصاحبه احمد قاسمی با خبرگزاری ایلنا ص ۲۴

نان برای زندگی، نه جان برای نان! ص ۲۷

مافیای در راس امور! ص ۳۱

وقتی محبوب و اسدی نماینده کارگر می شوند! ص ۳۲

قراردادهایی که لغو می شوند! ص ۳۳

در شرکت تولید و توزیع فارج نارین سپاهان چه می گذرد؟ ص ۳۴

اشعار جعفری مردنی و ایرج میرزا ص ۳۶

معرفی کتاب حرفهایی با دخترم درباره اقتصاد ص ۴۰

چرا هوش مصنوعی نه؟ ص ۴۲

شرایط عینی و ذهنی ص ۴۷

کشاورز نمونه ص ۴۸

پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه ای

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

هیات تحریر به سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com و کانال رسمی

سندیکا در تلگرام به آدرس

= کانال رسمی سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

مراجعه کنید

پیکرها بر خاک، آرمان ها بر پاست!



رفیق کارگران جابر فرجاد سندیکالیست بزرگ و کارگری شجاع به ابدیت پیوست. جابر فرجاد از زمره کوشندگان سیاسی بود که به فعالیت های سندیکایی روی آورد و دبیر انجمن صنفی رانندگان کامیون آذربایجان شرقی شد. او صدای رسای بازنشستگان تبریز و همکار ارزشمندی برای سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران بود. او با کوله باری ارزشمند از تجارب سیاسی و کارگری و فعالیت های درخشان صنفی در کنار رانندگان تبریزی در اعتصابات سراسری در سالهای ۹۰ ایستاد و آنچه حق رانندگان کامیون بود را با کوشش های خستگی ناپذیر به همراه دیگر رانندگان بدست آورد.

او از همکاران نشریه پیام سندیکا بود و نشریه ما را توسط رانندگان کامیون در سراسر ایران به دست زحمتکشان می رساند و نقش ارزنده ای در پراکندن آگاهی در میان هم صنفی های خود داشت.

او در عمل اجتماعی خود زنده است و سرفراز این جهان را ترک کرد چرا که مسوولیت اجتماعی و انسانی خود را به بهترین وجه انجام داده است.

افتخار می کنیم که با چنین رفیق رزمنده صدیقی همراه و همکار و در یک سنگر برای بهبودی وضعیت زحمتکشان رزمیده ایم و پیمان می بندیم که راه او را ادامه خواهیم داد و به گفته زنده یاد توران میرهادی مادر آموزش نوین، غم بزرگ از دست دادن جابر فرجاد را به کاری بزرگ تبدیل خواهیم کرد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

یاران او در انجمن صنفی رانندگان کامیون استان آذربایجان شرقی
 بازنشستگان مستقل تبریز/ بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی/
 بازنشستگان فلزکارمکانیک/ بازنشستگان صنعت چاپ/ بازنشستگان
 شهاب خودرو/ بازنشستگان مستقل قزوین/ بازنشستگان مستقل بابل
 بازنشستگان مستقل رامهرمز ۱۰ خرداد ۱۴۰۲

نان برای زندگی، نه جان برای نان!

دستگیری ۱۰ کارگر دیگر پروژه ای به اتهام لیبری اعتصابات کارگران نفت و گاز جز رسوایی دستگیر کنندگان هیچ ثمری نخواهد داشت. بازداشت این کارگران که به تایید مسوولان بوشهری رسیده است نشان از آن دارد که نه تنها اعتصاب شکست نخورده است بلکه کارگران همچنان متحدانه به دستمزدهای حقیرانه و تهدیدها و عربده جویی های پیمانکاران نه گفته اند. با آنکه از ۸ کارگر دستگیر شده قبلی هنوز هیچ خبری نیست و معلوم نیست اتهام این افراد چیست، مسوولان بوشهری که قرار بود ۵ هزار کارگر اعتصاب شکن وارد منطقه کنند و پروژه ها را راه اندازی کنند اکنون فقط توانسته اند این دستگیری ها را انجام دهند.

باز هم اعلام می کنیم این اعتصاب هیچ رهبری نداشته و ندارد و کارگران با خرد جمعی خود تصمیم به ترک پروژه ها گرفته اند. انتساب این عمل به خارج از مرزها پرونده سازی برای کارگران پروژه ای است. همان مسوولانی که اقدام به دستگیری ۱۸ کارگر پروژه ای کرده اند اگر فقط ۲ ماه با حقوق های ناچیز و عقب افتاده زندگی کنند خانه را بر سر خود و دیگران خراب خواهند کرد، آنوقت با کارگری که نمی خواهد با حقوق ناچیز کار کند اینگونه رفتار می کنند. اعتصاب در اصل ۲۷ قانون اساسی محترم و مجاز شمرده شده است و این دستگیری ها غیرقانونی است. در هیچ کجای قوانین کشورمان ماده و یا تبصره ای وجود ندارد که کارگر را ملزم به کار، آنهم به زور کرده باشد. همانگونه که پیمانکاران نمی خواهند افزایش حقوق را اعمال کنند همانطور هم کارگر می تواند دست از کار کشیده و با این دستمزدها کار نکند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ضمن محکوم کردن این دستگیری ها خواهان آزادی هرچه سریعتر این کارگران است. از همه همکاران می خواهیم به کمک خانواده های این عزیزان منجمله سجاد خسروی بروند.

اتحاد رمز پیروزی است.

بازتاب خشونت، خشونت خواهد بود!

در یکسال اخیر هجوم بر فعالین صنفی و مدنی افزایشی گسترده یافته است. از دستگیری کارگران سندیکایی، آموزگاران، فعالین مدنی تا هجوم بر مردمی که خواسته های انباشته شده در ۴۳ اخیر را خواهانند.

نه تنها آزادی به محاق رفته و از عدالت جز کورسویی نمانده و وعده های اوایل انقلاب به فراموشی سپرده شده است بلکه هر روز با داغ از دست دادن جوانی، کشور عزیزمان ایران از خواب بیدار می شود.

فقط طی چند ماهه اخیر بیش از ۵۰ کوشنده بازنشستگی به پلیس امنیت احضار شده اند. ۸ کارگر پروژه ای که نمی خواهند با دستمزدهای حقیرانه کار کنند بازداشت می شوند. برای کارگران اعتصابی پروژه های نفت و گاز پرونده سازی می شود. آموزگاران که به رتبه بندی و فشارهای امنیتی معترضند دستگیر و با وثیقه های میلیاردی آزاد می شوند.

وکالی که غم مردم دارند زندانی و از وکالت محروم می شوند که آخرین مورد فرزانه زیلابی وکیل پیشین کارگران هفت تپه و بازنشستگان تأمین اجتماعی استان خوزستان و برخی معلمان عضو کانون صنفی معلمان خوزستان است که به یک سال و شش ماه حبس محکوم گردیده است.

فرزندان ما که رشد یافته سیستم فرهنگی و اقتصادی حاکمیت هستند از این وضعیت ناراضی بوده و اعتراض خود را با شیوه های گوناگون اعلام می کنند، پاسخی جز گلوله و زندان نیافته و هر صبح با خیر اعدام جوانان معترض از خواب برمی خیزند.

کسانی که فکر می کنند راه حلی جز گلوله نیست، تاریخ را نخوانده اند. بازتاب خشونت، خشونت خواهد بود و این دور باطل باید پایان یابد.

ما ضمن محکوم کردن شیوه های خشونت آمیز از فعالیت های کارگری و مدنی دست برنداشته و خواستار حقوق انسانی خود از جمله آزادی و عدالت اجتماعی هستیم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران/ بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی
بازنشستگان صنعت چاپ/ بازنشستگان شهاب خودرو/ بازنشستگان مستقل بابل/
بازنشستگان مستقل رامهرمز/ بازنشستگان مستقل قزوین ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲

اعزام داود رضوی کارگر زندانی به بیمارستان طالقانی جهت انجام اکو قلب

روز دوشنبه یکم خرداد داود رضوی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد جهت انجام اکو قلب که برای آمادگی قبل از آندوسکوپی نیاز می‌باشد به بیمارستان طالقانی اعزام شد. دکتر پس از انجام اکو قلب آندوسکوپی را بلا مانع دانسته است. از آنجا که داود رضوی به مدت ۱۳ سال تحت نظر دکتر گوارش بوده و دارو استفاده می‌نماید هر چند ماه یکبار آزمایش و هر دو سال یکبار آندوسکوپی می‌شده، لذا به همین جهت از پزشک زندان درخواست می‌کند که تحت نظر دکتر خودش باشد. پزشک زندان ضمن اعلام موافقت خود از ایشان می‌خواهد درخواست خودش را به مسئولین زندان ارائه بدهد تا در صورت موافقت آنها با پزشک خودش هماهنگ نمایند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران خواستار رسیدگی فوری به وضعیت بیماری داود رضوی و همچنین خواستار لغو پرونده سازی و آزادی فوری و بی قید و شرط اعضای زندانی خود داود رضوی، رضا شهابی، حسن سعیدی و سایر فعالین کارگری و معلمی و مدنی می‌باشد.

چاره کارگران وحدت و تشکیلات

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
دوم خرداد ۱۴۰۲

حضور زنان در رهبری سندیکاهای کارگری و پذیرش مسوولیت های سندیکایی به معنای اقبال زنان کارگر از سندیکاهاست و این به معنی اعضای بیشتر برای سندیکاها و قدرتمندی هرچه بیشتر سندیکاهای کارگری و جنبش کارگری است. برابری برای زنان و مردان کارگر، این است شعار سندیکاهای کارگری.

تکذیبیه!

در سایت های خبری اطلاعیه ی «دیگر نمیگذاریم جوانانمان را بکشید!» منتشر شده است که نام سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران، در زیر امضاها درج گردیده است. ما ضمن تکذیب امضای این اطلاعیه به اطلاع می رسانیم در خصوص اعدام های اخیر و محدودیت برای کوشندگان کارگری و دستگیری ۸ کارگر پروژه ای اعتصابی اطلاعیه ای با نام «بازتاب خشونت، خشونت خواهد بود!» بود را در تاریخ ۳۰ اردیبهشت به همراه ۶ تشکل بازنشستگی منتشر کرده ایم.

از همه تشکلهای می خواهیم قبل از گذاشتن نام سندیکای ما در پای هر اطلاعیه ای از قبل با مسوول سندیکا رایزنی کنند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۲

تجمع حق ماست!

با آنکه اصل ۲۷ قانون اساسی جمع، راهپیمایی را قانونی دانسته ولی افراد بی اطلاعی تلاش دارند که این حق از مردم ایران سلب شود به همین جهت رای دیوان عدالت اداری را که در تاریخ ۲۵ اردیبهشت در رابطه با تجمعات صنفی را صادر شده است را برای اطلاع دوستان می گذاریم. رای دیوان عدالت اداری به شرح زیر می باشد: «طبق نظر قضات شعبه ۴۵ به شماره دادنامه ۲۸۵۷۹۸۵۷۹۰۰۲۶۹۸۵۷۹۰۰۱۳۱۳۹۰۱۴۰۱ مورخه ۱۱/۱۱/۱۴۰۱ و رای قضات شعبه ۲۸ تجدید نظر دیوان عدالت اداری به شماره ۲۳۷۶۳۴ مورخه ۱۴۰۲۳۱۳۹۰۰۰۱۴۰ مورخه ۱۴۰۲/۵/۱۴۰۲ برگزاری تجمعات مسالمت آمیز که توسط اشخاص و به منظور دفاع از منافع صنفی و شغلی صورت پذیرد، آزاد بوده و نیاز به اخذ مجوز موضوع مواد ۱۰، ۱۱، ۱۳ قانون فعالیت احزاب و گروههای سیاسی را ندارد.»

دوستان گرامی توجه کنند که هیچ مقامی و یا ارگانی نمی‌تواند و این اجازه را ندارد که جلوی تجمعات کارگران، بازنشستگان، آموزگاران... را که برای دفاع از منافع صنفی گرد هم می‌آیند را بگیرد.

بازنشستگان فلزکارمکانیک / بازنشستگان سندیکای بافنده
سوزنی / بازنشستگان صنعت چاپ / بازنشستگان شهاب
خودرو / بازنشستگان مستقل بابل / بازنشستگان مستقل
رامهرمز / بازنشستگان مستقل قزوین ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۲

نان برای زندگی، نه جان برای نان



ما همه یک خانواده هستیم !

با خبر شدیم ۸ تن از کارگران فعال پروژه ای دستگیر و در نقطه نامعلومی بسر می‌برند. یکی از این افراد زلفعلی تارازی است.

دادن بیش از ۴۰ هزار پیامک تهدید و پرونده سازی برای هزاران کارگر پروژه ای فقط به خاطر اینکه نمی خواهند با دستمزدهای حقیرانه و شرایط برده وار کار کنند، کاری بسیار کودکانه است.

از همه برادران کارگر می خواهیم در هر جایی که هستند خبر افراد دستگیر شده را به سندیکا برسانند.

از همه می خواهیم خانواده این عزیزان را خانواده خود دانسته از هیچ کوششی برای رفع مشکلات این خانواده ها دریغ نکنند.

ما همه یک خانواده هستیم و سفره هایمان یکی است.

دستگیری ۸ تن از برادران ما هیچ کمکی به پیمانکاران نخواهد کرد. زیرا با این حقوق و شرایط غیرانسانی که زحمتش از ماست و ثروتش از آن تعدادی پیمانکار قانون شکن، کار نخواهیم کرد. همانطوری که طرح جایگزین کردن ۵ هزار کارگر به شکست انجامید این دستگیری ها هم گره ای از وضعیت کنونی باز نخواهد کرد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران پشتیبان همه این عزیزان است و با تمام توان از آنان حمایت می کند.

کارگر برادر کارگر

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۲

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



ذوب آهن همچنان در تلاطم!



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بعد از دو بار اعتصاب در ذوب آهن که بخش بزرگی از کارگران به آن پیوستند و خواستار اجرای طبقه بندی مشاغل و دست برداشتن مدیران از طفره رفتن در این موضوع، مدیریت ذوب آهن با افزایش ۵ میلیون تومانی در پرداخت ها تلاش کرده است اعتراضات کارگران را به زعم خود مهار کند.

با توجه به اینکه افزایش ۵ میلیونی تا حدودی توانسته است مرهمی بر گرانی ها باشد اما اجرای طبقه بندی مشاغل را از دستور کار زحمتکشان ذوب آهنی خارج نکرده است. با طبقه بندی مشاغل دستمزدها حداقل افزایشی ۸۰ درصدی خواهند داشت و کارگران ذوب آهنی با شیرینی ۵ میلیون تومانی گول نمی خورند.

اخبار اعتراضات ۶۰ هزار کارگر اعتصابی پروژه ای

۱- نان برای زندگی، نه جان برای نان!

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، با گذشت ۱۲ روز از کمپین ۱۰/۲۰ و خروج بیش از ۶۰ هزار کارگر از پروژه ها و رفتن به خانه هایشان می گذرد. بعد از اظهارات مدیر منطقه ویژه در خصوص جایگزین کردن کارگران جدید به جای کارگران اعتصابی، از پروژه ها جز سکوت و آرامش خبر دیگری نیست. پالایشگاه آبادان، کنگان، گچساران، بید بلند، پتروشیمی های بوشهر و صدف و فازهای ۱۴ و ۱۳ هم خبری از کارگران جدید دیده نمی شود. طبق خبرها کمتر از ۱۲۰ نفر حاضر شده اند جایگزین نیروها شوند. تمامی تلاش های پیمانکاران بدنامی چون فرجود، کیسون، سلحشور همگی به بن بست خورده است. جمعی از کارگران در رامهرمز به نماینده مجلس شهر مراجعه کرده اجماعات پیمانکاران را با صد امضا به ایشان تحویل داده اند و ایشان هم به وزیرکار و وزیر نفت نامه زده است. دوستان کارگر، آنچه مهم است اتحاد و یگانگی در برابر توطئه های پیمانکاران است. باز هم تاکید می کنیم از بین خود نماینده ای انتخاب کرده چنانچه کارگری از شهرتان برای کار به پروژه ها می خواهد برود توسط نماینده تان با او تماس گرفته اهداف کمپین ۱۰/۲۰ را تشریح کنید. همچنین مقاومت پیمانکاران هم به زودی خواهد شکست و شما باید آماده مذاکره برای اجرایی شدن خواسته های خود باشید چرا که هر روزی که می گذرد مدت تحویل پروژه ها کمتر شده و پیمانکاران به دیرکرد در تحویل پروژه ها نزدیک می شوند و می بایست جریمه این دیر کرد را بدهند.

۲- نان برای زندگی، نه جان برای نان

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، با گذشت ۱۵ روز از کمپین ۱۰/۲۰ و خروج بیش از ۶۰ هزار کارگر از پروژه ها می گذرد. حتا اظهارات بی خردانه مدیر منطقه ویژه برای جایگزین کردن کارگران اعتصاب شکن هم با شکست روبرو شده و کمتر از ۱۵۰ نفر جذب شدند که ۶۰ نفر آنها دیروز پروژه ها را ترک کردند. این کارگران علت ترک کار خود را بدنام نشدن و فحش ناموس نخوردن گفته و به پیمانکاران گفتند که باید نان حلال، نه نان به خانه ببرند. درود به شرف این کارگران. از پروژه ها خبر می رسد که آهسته آهسته پیمانکاران با کارگران تماس گرفته البته اول با زبان تهدید و سپس با زبان نرم از آنان می خواهند که به سرکار برگردند. همانطوری که در بیانیه اول کمپین گفته شده است تا دستیابی به افزایش حقوق ۷۹ درصدی و رعایت ۱۰/۲۰ با ۸ ساعت کار و درست شدن لیست های بیمه و مسایل رفاهی خبری از کار کردن نخواهد بود. این موارد حتمن باید در قراردادها ذکر

شود که اگر رعایت نشد قابل شکایت باشد. دوستان کارگر، آنچه مهم است اتحاد و یگانگی در برابر توطئه های پیمانکاران است. باز هم تاکید می کنیم از بین خود نمایندگان انتخاب کنید تا در زمان مذاکره خواسته شما را اجرایی کنند. بزودی مقاومت پیمانکاران شکسته خواهد شد و شما باید آماده مذاکره برای اجرایی شدن خواسته های خود باشید چرا که هر روزی که می گذرد مدت تحویل پروژه ها کمتر شده و پیمانکاران به دیرکرد در تحویل پروژه ها نزدیک می شوند و می بایست جریمه این دیر کرد را بدهند. کارگر متحد کارگر

۳- نان برای زندگی، نه جان برای نان

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، با گذشت ۱۷ روز از اعتصاب کارگران پروژه ای و جلسات بی نتیجه مسولین منطقه ویژه با شرکت ها و شکست جایگزین کردن کارگران اعتصاب شکن با کارگران اعتصابی، از دیروز شنبه ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ کارگران پروژه ای ایستگاه تقویت فشار گاز اردستان پس از شکست مذاکرات با پیمانکاران خود و شرکت های مادر، جوشکاران، پایپینگ کاران، رانندگان جرثقیل، انباردارها، رنگ و عایق، داربست بندها، برق و ابزار دقیق و سایر رشته های دیگر محل کار خود را ترک کرده و به کمپین ۱۰/۲۰ پیوستند. هنوز مدیران منطقه سر عقل نیامده و حتا حرف برخی از شرکت ها که راضی به پرداخت افزایش حقوق ۷۹ درصدی به کارگران خود هستند را بر نمی تابند. از پتروشیمی بوشهر سایت ۱ خبر می رسد که شرکت های دخیل راضی به اجرای مقررات کمپین ۱۰/۲۰ شده اند. دوستان کارگر پایداری ما بی تردید بسیاری را سر عقل خواهد آورد. ۶۰ هزار کارگر پروژه ای که هر روز بر تعدادشان هم افزوده خواهد شد نمی توانند از حق خود بگذرند تا پیمانکاران بیشتر ظلم کنند. کارگر متحد کارگر

۴- نان برای زندگی، نه جان برای نان

تحریم کارگری موثرترین راه تنبیه پیمانکاران متخلف

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، ۲۰ روز از کمپین گذشت و اعتصاب به قوت خود باقی است. تمامی تلاش های پیمانکاران برای جذب کارگران اعتصاب شکن تا امروز با شکست مواجه شده است. البته هستند کارگرانی که گول می خورند. از جمله در اکسیرصنعت پاد جم پترو پالایش چند کارگر با افزایش ۴۰ درصدی قبول کرده اند که به کار بپردازند. ما به این دوستان تذکر می دهیم جوشکار فرهمند آذریان، جوشکار فریدون شاهین فرد، مونتاز کار اسماعیل حسینی، کمکی احسان مودت جاه، کمکی عظیم ناصری، کارگران اعتصابی پتروپالایش این افزایش را قبول نکرده و سرکار نیامدند و این حضور شما پشت کردن به

برادرانی است که می خواهند دستمزد شما هم ۷۹ درصد افزایش داشته باشید. پس به برادران خود پیوسته و گول پیمانکاران نابکار را نخورید. همچنین به تذکر جدی می دهیم به مدیر شرکت آقای القاصی کریمی از شرکت فنی و مهندسی شایان سیرجان که تلاش می کند کمپین را به شکست برساند و اعلام کرده با ۲۴ روزکار و ۶ روز مرخصی و حقوقی کمتر از سال گذشته کارگر استخدام می کند. احتمالن ایشان در خواب زمستانی ۲ ساله هستند که نمی دانند کمپین شروع شده و کارگران نمی خواهند نه تنها با دستمزد سال گذشته بلکه با ۲۷ درصد افزایش حقوق امسال هم کار کنند. به کارگران هم گوشزد می کنیم که به کمپین پشت نکنند چون سفره هایشان را اینگونه افراد نامرد خالی کرده اند. چرا باید با حقوق کمتر از حقوق اعلامی کمپین کار کرد و شکم کارفرمایان پدرسوخته را بزرگتر نمود؟ کارگران اعتصابی پتروپالایش کنگان همچنان بر روی قسم خود برای افزایش حقوق هستند و ۴۰ درصد افزایش حقوق را خنده دار دانسته و در حد بی شخصیتی کارفرما می دانند.

۵. نان برای زندگی، نه جان برای نان

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، تمامی تلاش ها برای شکسته شدن کمپین 20/10 تاکنون (۲۶ اردیبهشت) منجر به شکست شده است و کارگران بسیار کمی به پروژہ ها با وعده ۴۰ درصد افزایش برگشته اند. برای مثال در پتروشیمی مهر کیمیا پیمانکار شهپازی ناخلف و کلاهدرداری به اسم سوزی (علی) میرزاوند و بهمن پاپی که فورمن شهپازی هستند با گول زدن کارگران با آنان قراردادهای صوری نوشته و حتی یک برگ قرارداد هم به کارگران داده نشده و به آنان گفته اند که طبق مقررات کمپین برایشان قرارداد تنظیم نموده اند. در سال گذشته هم میرزاوند در مخازن سبز همین کلاهدرداری را انجام داد و پول ۵۰ کارگر را خورد. کارگران به هوش باشند طبق مقررات کمپین و قانون کار حتمن یک برگ قرارداد را باید به آنان تحویل دهند. در اکسیرصنعت پادجم پتروپالایش که چند کارگر برای کار رفته بودند بعد از متوجه شدن به دروغگویی شرکت دست از کار کشیده به خانه برگشتند.

نه دستگیری کارگران، نه تهدیدها و نه پرونده سازی ها هیچکدام موثر نیفتاده و کارگران پروژہ ای بر سر پیمان خود با کمپین ۱۰/۲۰ پافشاری می کنند. اعلام می کنیم کمپین رهبر ندارد و همه کارگران اعتصابی رهبر هستند و پرونده سازی برای کارگران دستگیر شده و جاهت قانونی ندارد. کارگران نمی خواهند با این حقوق حقیرانه کار کنند و به همین دلیل به خانه رفته اند و هر زمان حقوقها از سوی پیمانکاران مناسب شد و ۷۹ درصد افزایش اعمال شد به کار بر خواهند گشت. طبق قانون کار هیچکس را نمی توان به زور وادار کرد که کار کند. همه کارگران پروژہ ای پشتیبان برادران دستگیر شده و خانواده هایشان هستند و دستگیری غیرقانونی این عزیزان را محکوم کرده خواستار آزادی هرچه زودتر این برادران هستند. کارگر متحد کارگر

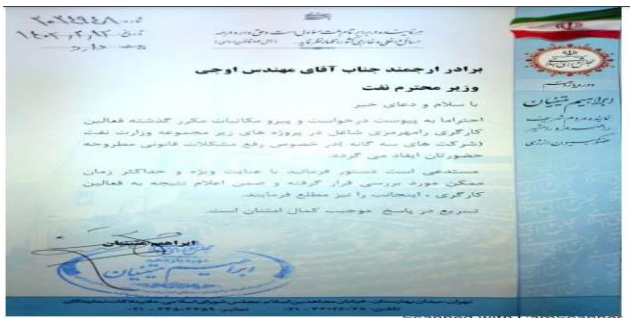
۶- تلاش قانونی کارگران پروژه ای!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با اعتصاب کارگران پروژه ای در صنعت نفت و گاز و نیروگاهی بخشی از این کارگران بیکار ننشسته برای احقاق حقوق خود متوسل به نمایندگان مجلس شهرشان شدند. کارگران رامهریزی که در سال ۱۴۰۰ هم با ۱۰۰ اما خواستار تحقق خواسته های کمپین ۱۰/۲۰ بودند توسط نمایندگان خود به نماینده مجلس شهر رامهرمز سرهنگ پاسدار متینیان نامه نوشته و در دیدار حضوری خواستار پیگیری خلافاکاری های پیمانکاران در پروژه ها شدند. متن نامه: «به نام خدا ۱۴۰۲/۲/۲۶

به نماینده ارجمند شهرستان رامهرمز سرهنگ پاسدار ابراهیم متینیان

با درود فراوان، همانگونه که مستحضرید پیرو نامه نگاری های متعدد در سال گذشته فعالین کارگری رامهریزی و پروژه ای شاغل در پروژه های زیر مجموعه وزارت نفت (شرکت های سه گانه) در خصوص مشکلات قانونی، مانند امنیت شغلی، معیشت، مرخصی، مطابقت لیست بیمه با عناوین شغلی، خوابگاه و غذای مناسب به محضر حضرتعالی و در ادامه علیرغم نامه نگاری دفتر شما (خود شما) با شماره های ۱۱۳۸۴۶ به مورخه شهریور ۱۴۰۰ و ۱۱۰۹۷۷ به مورخه مهر ۱۴۰۰ به وزیر محترم وقت و معاونت پارلمانی وزیر نفت در مجلس تاکنون هیچگونه پاسخی نه در عمل و نه در مکتوب از سوی مسوولین امر به کارگران داده نشد، لذا از شما خواهشمندیم که نسبت به پیگیری درخواست های حقوقی کارگران با توجه به تورم افسارگسیخته برابر با قانون پیگیری نمایید. پیش از همکاری سپاسگزاری ویژه از شما داریم.»

نماینده مجلس شهر رامهرمز نامه ای به وزیر نفت نوشته و نامه کارگران رامهریزی را پیوست نامه خود کرده است که تصویر آن را می بینید.



۷. نمان برای زندگی، نه جان برای نان

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، امروز ۲۷ اردیبهشت بیش از ۱۵۰۰ کارگر پروژه ای شاغل در پتروپالایش کنگان تو دهنی محکمی به مدیر شرکت کیان سازه بنوار، شهرام کیانپور زده اند. شرکت کیان سازه بنوار از جمله شرکت های خلافتکار و حق کارگر خور در عسلویه می باشد. این شرکت لیست بیمه کارگران را نه با عنوان شغلی و مبلغ دریافتی بلکه به صورت کارگر ساده رد می کند. این شرکت که در سایت ۱ و ۳ مشغول به کار است نه تنها عیدی و سنوات کارگران را نمی دهد بلکه با حقه بازی بخشی از دستمزد آنها را نگه می دارد و بعد از چند روز که پرداخت عنوان می کند این عیدی و سنوات شماسست. شهرام کیانپور که از تربیت خانوادگی بهره ای نبرده است آنچه را لایق خود و خانواده اش است را با بددهنی نثار کارگران می کند. این شارلاتان با دادن غذاهای افتضاح و بالا کشیدن پول میوه کارگران، صبحانه را با نان و پنیر و یا کره و مربا سرهم بندی می کند. ساس و سوسک در خوابگاههای همچون خود او پرسه می زنند که کارگران مجبور می شوند برای بهداشت خود، خانه کرایه کنند. با دادن نیم کیلو چای به ۸ نفر در ماه فکر می کند لطف به کارگران کرده است. از تایید و صابون و شامپو در این مجموعه ۱۵۰۰ نفری خبری نیست. حقوق کارگرانش طبق کمپین نیست و قرارداد هم به کارگرانش نمی دهد و فقط می گوید: «قرارداد را امضا کن» این آدم بی تربیت در آخرین تماس با کارگران که با فحاشی همراه بوده به کارگران امر کرده که: «۴۰ درصد افزایش را بپذیرید وگرنه (جملات توهین آمیز) انجام می دهم» کارگران همگی یکصدا به این آدم بی تربیت گفته اند: «اول دهنش را باید تمیز کنی، دوم باید ۷۹ درصد افزایش را اعمال کنی، سوم لیست بیمه ها باید طبق پرداختی رد شود، چهارم قوانین کار از جمله عیدی، سنوات، اضافه کاری ها را باید درست کنی، پنجم سرویس های بهداشتی و حمام ها را هم چون دهنش باید پاک و پاکیزه کنی تا به سرکار بیاییم»

به شهرام کیانپور هشدار می دهیم که اگر به این بددهنی ادامه دهد در فرخ شهر اصفهان جوابش را خواهد گرفت. کارگر متحد کارگر

۸. نمان برای زندگی، نه جان برای نان

به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، امروز ۲۹ اردیبهشت مذاکرات برای اجرا شدن مقررات کمپین ۱۰/۲۰ در بسیاری از پروژه ها شروع شده است و کارگران پیمانکاران را متقاعد کرده اند که به جز افزایش ۷۹ درصدی حقوق هیچ راهی برای بازگشت به پروژه ها وجود ندارد. جمعی از پیمانکاران از فعالین پروژه ای خواسته اند برای آنکه مورد هجوم توهین های پیمانکاران نابکار قرار نگیرند از انتشار قراردادهای خود خودداری کنند. در همین راستا با خبر شدیم کارگران پروژه ای فلات قاره با افزایش حقوق و مزایای قانونی که کمپین

مشخص نموده است، به سرکار بازگشتند. همچنین کارگران پروژه ای پتروشیمی های گچساران، صدف، بوشهر، پتروپالایش کنگان و ... همچنان در حال اعتصاب هستند.

از کارگران پروژه ای ایذه ای می خواهیم خانواده کارگر پروژه ای «زلفعلی تارازی» را دریابند و از هیچ کوششی برای آسودگی خاطر خانواده اش دریغ نکنند. با دستگیری، پرونده سازی، تهدید نمی توانید کارگران را به سرکار بازگردانید. فقط یک راه برای بازگشت به پروژه وجود دارد و آن هم اجرای قوانین کمپین ۱۰/۲۰ است.

۹. ننان برای زندگی، نه جان برای نان

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با گذشت ۳۲ روز از اعتصاب کارگران پروژه ای با آنکه هنوز بخش زیادی از کارگران هنوز به کمپین ۱۰/۲۰ وفادار مانده اند خبر می رسد که متاسفانه پیمانکاران با نیروهای بلوچ و بومی تلاش دارند تا پتروشیمی صدف را فعال کنند. این در حالی است که پیمانکار قبلی کار را واگذار کرده و شرکت با پیمانکار جدیدی قرارداد بسته است. کارگران به این پیمانکار پیغام داده اند از مقررات کمپین کوتاه نخواهند آمد. از سوی دیگر داراب القاصی تلاش دارد با آوردن چند نصاب و جوشکار یاسوجی و القاصی اعتصاب را خراب کند و نیروها دلسرد شده به کار برگردند. همچنین شهبازی پیمانکار از شرکت ساتراپ می خواهد با ۲ فیلتر، ۲ جوشکار، ۲ کمکی که از سایت ۱ پتروشیمی بوشهر آورده است کمپین را دور بزند. متاسفانه در برخی از پروژه ها مانند سال گذشته جوشکاران به تنهایی و فیترها هم به تنهایی قرارداد بسته و وارد کار شده اند. ولی گروههای پایبند هنوز بر سر پیمان خود ایستاده اند و کمتر از مقررات کمپین گفته اند کار نخواهند کرد. کارگر متحد کارگر

۱۰. ننان برای زندگی، نه جان برای نان

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، اعتصاب ادامه دارد و تمامی تلاش های پیمانکاران برای گول زدن کارگران و بازگردان آنان به کار در ۳۱مین روز اعتصاب (۲ خرداد) با شکست روبرو شده است. در آخرین تحول در پتروشیمی صدف روز دوشنبه اول خرداد ماه ۱۴۰۲، کارگران پروژه ای شرکت جهان پارس که برای عقد قرارداد جدید در پتروشیمی صدف گرد آمده بودند، در اعتراض به وعده های دروغین کارفرما مبنی بر افزایش ۵۰ درصدی حقوق، اعتصاب کرده و به خوابگاههای خود رفتند. در خبر دیروز گفته بودیم که: «خبر می رسد که متاسفانه پیمانکاران با نیروهای بلوچ و بومی تلاش دارند تا پتروشیمی صدف را فعال کنند» از سوی دیگر با خبر شدیم کارگران قرارگاه خاتم در جفیر با افزایش ۸۰ درصدی حقوق به کار بازگشته اند که به آنان تبریک می گوئیم.

کارگران پروژه ای به هوش باشند و با چشمان باز و همبستگی با دیگر کارگران وارد مذاکره با کارفرمایان شوند. باز هم می گوئیم تلاش کنید مقررات کمپین را به کارفرمایان تحمیل کنید وگرنه باز هم باید شرایط برده وار را تحمل کنید. کارگر متحد کارگر

۱۱- نان برای زندگی، نه جان برای نان

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با توجه به دستگیری ۸ تن از کارگران پروژه ای و پرونده سازی برای جمعی از کارگران و ارسال پیامک های تهدید آمیز، جدیدن شرکت IGC مستقر در پالایشگاه آبادان با ارسال پیامک هایی از کارگران خواسته به سرکار خود باز گردند. متن این پیامک ها به شرح زیر هستند: با سلام، پیرو پیامک ارسال شده توسط کارفرما در پالایشگاه آبادان و حسب دستور کارفرما کلیه پرسنل جهت برگشت به کار (با شرایط حقوق و دستمزد سال گذشته + افزایش قانونی اعلام شده توسط اداره کار) با مراجعه به گیت ۳۰ (درب شیشه ای) و تکمیل فرم مربوطه آمادگی خود را جهت برگشت به کار اعلام نمایند.

توجه*.*توجه*

همکاران گرامی بومی که در گیت ۳۰ اقدام به فرم نویسی کردند لطفا با واحد اداری (دربندی و رضا سیاوشی) تماس گرفته و اعلام کنند تا پیگیر گیت پاس آنهاشده. و همچنین قابل توجه همکاران غیربومی عدم دسترسی به فرم در گیت ۳۰ به دلیل دور بودن از شهرآبادان حتما بابت فعال کردن گیت پاس هایشان با واحد اداری (دربندی و رضا سیاوشی) تماس بگیرند. *باتشکر*

این پیامک ها از کارگران می خواهند با پشت کردن به کمپین ۱۰/۲۰ و با دادن تعهد به سرکار خود باز گردند. این نمونه دیگری از اجبار کردن کارگران به شکستن اعتصاب است.

ما به کارگران توصیه می کنیم از دادن هرگونه تعهدهای الزام آور و قبول کردن افزایش حقاتر آمیز دستمزد بپرهیزند. بسیاری از کارگران همانگونه که در اطلاعیه های گذشته ذکر شد توانسته اند شرایط کمپین را به کارفرما هایشان به قبولانند. از جمله دیروز خبر دادیم که کارگران قرارگاه خاتم در جفیر با افزایش ۸۰ درصدی حقوق به کار بازگشته اند. برادران کارگر، صبر، اتحاد، رمز پیروی است.

دستمزد بهتر برای زنان به معنای درآمد بیشتر برای کل خانواده است

در پروژه زیرسازی راه آهن مبارکه شهرکرد چه می گذرد؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مجری این پروژه شرکت سداد است که صاحب آن آقای اخباری می باشد. سال گذشته هم گزارشی از مشکلات نیروی کار این پروژه ارایه گردید که این مشکلات باعث اعتراض آنها به استناداری و فرمانداری اصفهان هم کشیده شد و با وجود وعده ی رسیدگی از سوی اداره کار به نتیجه ای منتج نشد که هیچ، بلکه عده ای هم از کار بیکار شدند. این پروژه در سال ۱۴۰۱ نیمه فعال بود که مسئولان شرکت علت آن را پرداخت نشدن پول توسط کارفرما طبق قرارداد عنوان کردند.

با اینکه حقوق و مزایای تعیین شده قانونی برای کفاف زندگی یک خانوار کافی نیست، در اینجا همان مقدار هم رعایت نمی شود و پرداخت آنگاه شش ماه به عقب می افتد. مدیر پروژه هم عنوان نموده همین که نیروها را اخراج نمی کنیم در حق آنها لطف کرده ایم و این منت نهادن و تحقیر نیروی کار به این می ماند که آنها در خانه استراحت می کنند و شرکت در راه خدا به آنها کمک می کند!!!!

اهم مشکلات نیروی کار این شرکت شامل رانندگان کامیونها و ماشین آلات راه سازی، مکانیک و نگهبان: ۱- به علت عدم ارایه فیش حقوق به کارگران و پرسنل، همگی از چگونگی محاسبات حقوق و مزایا و اضافه کاری خود اطلاعی ندارند. ۲- عقب افتادن گاه ۶ ماه پرداخت حقوق با توجه به افزایش نرخ تورم در ایران به شکل روزانه که این ارزش حقوق را با افت قابل توجهی مواجه می کند. مثلن حقوق زمانی که گوشت قرمز کیلویی ۱۶۰ هزار تومان بود موقعی پرداخت کردند که گوشت کیلویی ۳۶۰ هزار تومان شده بود. ۳- حقوق و مزایای ۳۰ روزه برای نیروها مشخص شده است و هر روز سرکار نباشند چه جمعه باشد یا تعطیل رسمی و یا کارگاه تعطیل باشد، در ازای هر روز تعطیل از حقوق آنها کسر می گردد. یعنی روزهای تعطیلی و جمعه ها، اضافه کاری محسوب نمی شود. ۴- نگهبانان شیفت هیچگونه مزایایی نسبت به شیفت روز ندارند و شیفت آنها هم ثابت است و ۱۲ ساعت کار و ۱۲ ساعت استراحت میباشد. ۵- به هر نگهبانی شیفت شب یا روز با هر تعداد افراد تحت تکفل و یا مجرد در مقابل ۲۵ روز کاری حدود ۸ میلیون تومان در سال ۱۴۰۱ پرداخت میشد. ۶- برای

کارگرانی که در تونل کار می کنند و با خطر مواجه هستند و یا در بچینگ و سنگ شکن کار می کنند و با شن و ماسه و سیمان و گردوخاک آلودگی صوتی سر و کار دارند، حق سختی کار رعایت نمی شود. ۷- روزهایی که به هر دلیل کارگاه تعطیل است که در سال ۱۴۰۱ زیاد اتفاق افتاد و گاه روزهای متوالی ادامه داشت هیچگونه حقوقی پرداخت نمی شود. ۸- ناهار در شیفت روز خصوصن شام در شیفت شب بسیار بی کیفیت است و گاه برای سلامتی هم مضر است. ۹- مدت قراردادهای از یک الی سه ماه می باشد حتی برای آنهایی که سابقه بیش از ۵ سال کار در این شرکت دارند. با اینکه قرارداد در دو نسخه منعقد می گردد ولی به نیرو کار قرارداد داده نمی شود. ۱۰- در یکی از محل های نگهداری که یک تونل است، هم داخل تونل و هم خارج آن وسایل و ماشین آلات وجود دارد که فقط یک نگهبان در شیفت شب دارد. یکبار نگهبان برای چک وسایل داخل تونل می رود مقداری کابل سرقت می شود و شرکت هم شش ماه از حقوق نگهبان بابت جریمه پرداخت نمی کند. با اینکه پرونده ای در پاسگاه و آگاهی باز می شود و تاکنون محکومیتی متوجه نگهبان نشده است.

یادآور می شود علت تقبل این مشکلات توسط کارگران، رانندگان و نگهبانان با توجه به اینکه همه هم ناراضی هستند: **(الف)** امیدوی به هیچ نهاد و ارگانی ندارند که به مشکلات آنها رسیدگی کند و خوب می دانند نتیجه نهایی می شود، اخراج. **(ب)** از ترس بیکار شدن و هزینه های بالای زندگی خانوادگی خود را به نوعی مجبور می دانند به این شرایط تن در دهند.

قطعن تحمل این شرایط به دلیل عدم امنیت شغلی و رواج قراردادهای موقت و سفید امضا است که در ایران نیروی کار را از پیگیری حقوق قانونی حتما ناکافی اش باز می دارد.

اگر شغلی برای زنان بسیار خطرناک است، برای مردان هم همین گونه است.

چرا اعتصاب شد!



از سال ۱۳۹۹ و اولین کمپین، سندیکای کارگران فلزکارمکانیک و گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها که ستون فقرات کمپین بودند تلاش کردند با مذاکره و نامه نگاری همراه با اعتصاب، حقوق کارگران را کسب کنند لذا اولین نامه را که در آن اهداف کمپین نوشته شده بود ۲۰ روز بعد از اولین اعتصاب در تاریخ ۹۹/۵/۲۳ به وزیرکار شریعتمداری، ریاست جمهوری، قوه قضاییه، رییس مجلس، بازرسی کل کشور، وزیر نفت و آیت اله خامنه ای با پست در ۲۵ مرداد ارسال شد. خواسته های کارگران: «عقب نیفتادن حقوق ها، پرداخت حق بیمه طبق دریافتی کارگر، زمان کاری از ۱۰ ساعت به ۸ ساعت، هیات نظارتی از طرف شرکت نفت- وزارت کار-بازرسان منطقه و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران برای بررسی تخلفات، رعایت قانون اقماری ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت برای کارگران پروژه ای، حذف پیمانکاران، پرداخت مزایای قانونی کار، اجازه تشکیل سندیکا و حضور نماینده سندیکا در مجلس» این نامه ها به جز دفتر آیت اله خامنه ای هیچ پاسخگویی نداشت. این نامه به شماره ۲۰۱۴۶۷ به تاریخ ۹۹/۱۰/۱۳ به اداره کار بوشهر ارجاع شد و آقای شهریور هم نتوانست از پس مافیای لانه کرده در پتروشیمی ها برآید و این نامه همچنان در اداره کار بوشهر خاک می خورد. هر چند کمپین سال ۹۹ در خصوص افزایش حقوق موفق بود اما مابقی خواسته ها اجرایی نشد.

با راه افتادن کمپین ۱۰/۲۰ در سال ۱۴۰۰ نامه هایی به وزارت کار به شماره ۹۳۵۳۱ به تاریخ ۱۵ شهریور ۱۴۰۰ که به امضای ۱۹۱۰ کارگر پروژه ای رسیده بود ثبت شد و دیداری با مسوول روابط کار وزارت کار دست داد و در مورد تخلفات بصورت مستند صحبت شد و پیرو آن دوباره نامه دیگری به شماره ۱۹۸۲۲۹ به تاریخ ۱۱ دیماه در مورد استمرار

تخلفات پیمانکار به این وزارتخانه ارسال شد که منجر به پاسخی در نامه شماره ۵۳۳۴ به تاریخ ۱۶ فروردین ۱۴۰۱ گردید که نوشته شده بود: «در بازرسی های انجام گرفته مواردی چون ارایه قرارداد کار به کارگران و یا پرداخت به موقع حقوق و مزایا بررسی و در صورت عدم اجرا توسط کارفرما، ابلاغیه صادر گردیده است» که معلوم نیست به شرکتی اصلن ابلاغیه ای داده شد یا نه؟ به هر حال تخلفات ادامه داشته و دارد.

از سوی دیگر نامه به شماره ۵۱۷۸۰ به تاریخ ۹ خرداد ۱۴۰۱ به مدیرکل بازرسی وزارت کار در خصوص: «عقب افتادن حقوق ها، عدم افزایش حقوق ها به مقدار ۳۸ درصد، مغایرت لیست بیمه ارسالی با عنوان شغلی کارگر و دریافتی اش» «مجددن با لیست شرکت های خلافکار» خط لوله گوره به جاسک شرکت پابندان پیمانکار صالحی، پیمانکاران تلمبه خانه شماره ۵ بندرعباس شرکت پابندان، پتروشیمی گچساران شرکت پناه صنعت، شرکت نفت سازه قشم به مدیریت مهندس رنجبران در قشم، پالایشگاه آبادان پیمانکاری های سکاف، اکسیر، (IGC) ارسال شد. که این نامه به شماره ۵۲۳۶۵ به هرمزگان برای بررسی فرستاده شد اما تخلفات ادامه پیدا کرد. در تاریخ ۲۳ شهریور ۱۴۰۱ نامه ای به شماره ۱۴۳۴۸۷ مجددن برای بازرسی کار ارسال شد که در آن باز هم در مورد تخلفات عادی شده در پروژه ها و به ضمیمه فیلمی از وضعیت سرویس های بهداشتی پیمانکاری شیران ساویس پتروشیمی انتخاب داده شد. اما آنچه اتفاق نیفتاد برخورد با متخلفین بود. این در حالی بود که همه موارد ذکر شده بالا در مذاکرات و نامه های متعدد با بازرسی شرکت نفت، حراست شرکت مهندسی توسعه نفت (متن) ارایه گردید.

از سوی دیگر در ۲ نامه به شماره های ۸۱۵۴۲۶۴۶ به تاریخ ۹ خرداد ۱۴۰۱ و ۸۳۸۰۲۷۱۰ به تاریخ ۱۱ مرداد ۱۴۰۱ برای رییس اداره کل وصول حق بیمه سازمان تامین اجتماعی ارسال و لیست شرکت های متخلف که در ارسال لیست بیمه، کارگران متخصص خود را کارگر ساده جا میزنند، تلاش کردیم از کلاه رفتن سر سازمان تامین اجتماعی و به یغما رفتن زحمت کارگران پروژه ای در زمان بازنشستگی پرده برداریم و نوشتیم: «در حال حاضر کارگران متخصص اعم از جوشکار، فیتز، داربست بند حقوق ماهیانه ای بیش از ۲۰ میلیون دریافت می کنند که حق بیمه آنان می بایست بطور متوسط بیشتر از ۵ میلیون تومان و یا بیشتر به سازمان واریز گردد، که نمی شود. در سایت ۱ پتروشیمی بوشهر فقط ۵ هزار کارگر کار می کنند که ماهیانه می توانند حداقل ۳۰ میلیارد تومان برای سازمان ورودی داشته باشند. اگر بازرسان شما سختگیرانه تر این موضوع را بررسی کنند» این نامه با لیست شرکت های متخلف به سازمان تامین اجتماعی، بازرسی شرکت نفت، حراست مهندسی توسعه نفت (متن)، اداره کل آموزش شرکت نفت ارایه گردید اما نه حق بیمه ای وصول شد و نه سازمان تامین اجتماعی پیگیر موضوع شد. در حال حاضر تمامی شرکت های متخلف کارگزارانشان امروز در اعتصاب به سر می برند چون هیچ

تغییری در رفتار پیمانکاران، و هم اینکه بازرسین شرکت نفت و بازرسین وزارت کار برای جلوگیری از این تخلفات انجام نشده است.

این گزارشی بود به ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای از سوی نماینده شان و اعلام بر حق بودن اعتصاب کارگران پروژه ای به مردم ایران.

مازیار گیلانی نژاد مسوول سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران
و نماینده ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۲

مصاحبه سهراب مژگانی از اعضای بازنشستگان مستقل متحد تهران با خبرگزاری ایلنا،

یک بازنشسته می‌گوید: سی سال تمام حق بیمه داده‌ام برای چنین روزهایی؛ حالا باید برای کوچک‌ترین و ساده‌ترین خدمات درمانی پول بپردازم! به گزارش خبرنگار ایلنا، سهراب مژگانی، یک بازنشسته‌ی کارگری‌ست که صبح سوم خرداد به ایلنا مراجعه می‌کند؛ او فیش پرداخت داروهای خود را در دست دارد و نسبت به این پرداخت معترض است. مژگانی که به دلیل مشکلات چشمی به بیمارستان جم (یکی از بیمارستان‌های طرف قرارداد تامین اجتماعی) در تهران مراجعه کرده، بابت دو داروی ساده چشمی که ایرانی هستند و جزو داروهای خاص محسوب نمی‌شوند، ۳۵ هزار تومان هزینه پرداخته است. در فیش پرداخت او، ردیفی به نام «تعرفه‌ی دارویی» هست که بابت آن ۸ هزار تومان اضافه بر قیمت داروها پرداخت کرده است. چرا داروها برای بازنشستگان کارگری در مراکز طرف قرارداد رایگان نیست؛ علاوه بر آن، قضیه‌ی تعرفه‌ی دارویی چیست؛ اگر این داروها را در نسخه می‌نوشتند و از داروخانه‌های بیرون تهیه می‌کردم، مجبور نمی‌شدم این ۸ هزار تومان اضافه را پرداخت کنم!» این بازنشسته با بیان اینکه ۴۳ هزار و ۸۰۰ تومان بابت دو قطره ساده چشمی در یک بیمارستان طرف قرارداد پرداخت کرده‌ام؛ می‌گوید: سی سال تمام حق بیمه داده‌ام برای چنین روزهایی؛ حالا باید برای کوچک‌ترین و ساده‌ترین خدمات درمانی پول بپردازم؛ چرا سی سال حق بیمه و سهم درمان از ما گرفتند و حتی امروز هم ۲ درصد از مستمری ما را بابت درمان کسر می‌کنند؟! او از پولی شدن خدمات درمانی به خصوص داروها انتقاد می‌کند و می‌گوید: یک بازنشسته در زمان پیری بیش از هر چیز به داروهای ساده و مسکن‌ها نیاز دارد که اینها را متاسفانه پولی کرده‌اند!

یکشنبه های اعتراض!

۱- به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۱۷ اردیبهشت مطابق هر هفته بازنشستگان تامین اجتماعی برای حصول به حقوق خود در شهرهای تهران، اراک، کرمانشاه، قزوین، بابل، شوش دست به تجمع زدند. در این شهرها که در مقابل فرمانداری و سازمان تامین اجتماعی شهراهایشان صورت گرفت بازنشستگان خواهان اجرا شدن مواد ۱۱۱ و ۹۶ قانون تامین اجتماعی هستند. با افزایش قیمت ها در ۴۷ روز گذشته بایستی ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی اجرایی گردد. افزایش ۲۱ و ۲۷ درصدی مستمری بازنشستگان قانونی نیست و سفره های خالی بازنشستگان را خالی تر خواهد کرد.

در تهران بازنشستگان با تهدیدهای امنیتی روبرو بوده و کانون بازنشستگان تامین اجتماعی به محلی برای گرفتن تعهد از بازنشستگان تبدیل شده است. هیات مدیره بی عرضه کانون تهران که از عهده سوالات بازنشستگان بر نمی آید پلیس امنیت را سپر خود کرده است. با این وجود بخشی از بازنشستگان با حضور در اداره کار تهران پیگیر نامه شماره ۹۰/۲۰۰۸۹۴ مورخه ۱۴۰۱/۱۱/۲۴ که از سوی بازنشستگان امضا شده بود و به رییس تشکل های کارگری کارفرمایی تهران نوشته شده بود، شدند. در این نامه از بی عملی و عدم گزارش دهی به بازنشستگان و اینکه: «سایت کانون به روز نیست و خبری از عملکرد آقایان نیز در آن وجود ندارد، اگر هیات مدیره فعالیت دارد چرا اطلاع رسانی نمی کند و اگر فعالیت ندارند نسبت به وظایف خود قصور ورزیده و باید استعفا دهند»

با سخنان مسول تشکلهای کارگری اداره کار استان تهران مقرر شده بازنشستگان طبق اساسنامه به بازرس کانون شکایت های خود را داده و چنانچه به مدت یک هفته نتیجه ای حاصل نشد موارد را به اطلاع اداره کار استان برسانند.

۲- به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، تجمعات اعتراضی بازنشستگان مطابق هر یکشنبه در شهرهای تهران، اهواز، شیراز، اصفهان، کرمانشاه، شوش، البرز غربی، رشت امروز ۲۴ اردیبهشت برگزار شد. در این تجمعات که به دزدی آشکار همسان سازی از مستمری بازنشستگان که منجر به برداشتن احکام

بازنشستگان از سامانه سازمان تامین اجتماعی در سراسر کشور شد ،
بازنشستگان خواستار پاسخگویی سازمان در این مورد شدند. در شوش و اهواز
بازنشستگان دست به راهپیمایی زدند .

در رشت بیش از ۲۰۰ نفر بازنشسته که با شعارهای «زیر بار ستم نمی‌کنیم
زندگی، مرگ بر این بندگی» «کارگر معلم بازنشسته اتحاد اتحاد» سر داده بودند
خانم بازنشسته ای به سران دولت و سازمان تامین اجتماعی گفت: «ما،
بازنشستگان قدیمی نیستیم که هر چه شما مصوب کنید سکوت کنیم ما همه مان
سرمان در حساب و کتاب است و از شما بسیار هوشمندتر هستیم و سرمان کلاه
نمی‌رود و حق خود را می‌خواهیم. دولت با این افزایش حقوق و با این همسان
سازی نشان داد که طرفدار هر کسی هست طرفدار کارگر و بازنشسته نیست»
و بیانیه ای نیز به امضای بازنشستگان حاضر رسید. در این تجمع یکی از
دختران جوان که به حمایت از بازنشستگان آمده بود دستگیر شد که با فشار
بازنشستگان آزاد گردید.

در تهران با وجود همه احضارها و تهدیدها باز هم بازنشستگان به کانون تهران
مراجعه کردند که اعضای هیات مدیره و بازرسان برای پاسخ ندادن به
اعتراضات بازنشستگان امروز به کانون نیامده بودند. بازنشستگان تهرانی در
نامه ای که هفته گذشته به بازرسان کانون داده بودند خواستار برگزاری جلسات
عمومی برای پاسخگویی به بازنشستگان شده بودند. بازنشستگان تهرانی با تجمع
در سالن کانون و صحبت با دیگر بازنشستگان بر پافشاری خود برای شفافیت
عملکرد هیات مدیره اصرار داشتند.

۳- به گزارش خبرنگاران پیام سندیکا، امروز ۳۱ اردیبهشت در شهرهای رشت،
تهران، اصفهان، شوشتر، کرمانشاه، شوش، اهواز، قزوین تجمعات بازنشستگان
تامین اجتماعی در اعتراض به همسان سازی، مستمری های حقیرانه، درمان
ناقص و هیات مدیره های بی عرضه کانون های بازنشستگی صورت گرفت.

در قزوین بازنشستگان تامین اجتماعی در مقابل سازمان تامین اجتماعی می خواستند تجمع کنند که با ون پلیس مواجه شدند که به آنان گفته می شد که «: حقوق هایتان افزایش پیدا کرده بروید خانه»

در اهواز بازنشستگان تامین اجتماعی به همراه آموزگاران نهضت سواد آموزی و کارکنان شهرداری در مقابل اداره کل تامین اجتماعی گرد آمده و شعارهای مطالبه گرایانه می دادند.

در شوش با اینکه تنی چند از اعضای بازنشسته سندیکای هفت تپه احضار شده بودند با این حال بازنشستگان بیشتر از هفته های قبل برای اعتراض آمده بودند.

در کرمانشاه، شوشتر، اصفهان هم جمعی از بازنشستگان به میدان مطالبه گری آمده بودند.

در رشت بیش از ۲۰۰ نفر از بازنشستگان به مقابل اداره کل تامین اجتماعی آمده و با سخنرانی های پرشور و شعارهای: «فریاد فریاد از این همه بیداد» و «صندوق خالی کردن ما رو بیچاره کردن» سر دادند. این هفته نقش زنان چشمگیرتر از همیشه بود.

در تهران بازنشستگان در به در به دنبال هیات مدیره و بازرسان بودند تا بدانند که آنان چه می کنند و چرا پاسخگوی پرسش های آنان نیستند. این دومین هفته است که هیات مدیره بی عرضه و بازرسان بی عرضه تر از آنان، خود را از چشم بازنشستگان پنهان می کنند.

بازنشستگان در همه شهرها از بازنشستگان شهرهای دیگر خواستند در اعتراض به این ظلم آشکار، اعتراضات خود را همچون سال گذشته تداوم بخشیده و به اعتراضات سراسری بپیوندند .

**محیط کاری فارغ از آزار و اذیت و تهدید و ارباب
مطلوب مردان و زنان کارگر است.**

بازنشستگانی که برای درمان آرتروز ساده دوازده ساعت سرگردانند!



مصاحبه احمد قاسمی از بازنشستگان مستقل متحد تهران

امروز نمی‌دانیم برنامه عملی سازمان برای گسترش مراکز ملکی مجهز چیست؛ آیا قرار است ساخت، خرید و تجهیز بیمارستان‌های ملکی متوقف شود؟

به گزارش خبرنگار ایلنا، سازمان تامین اجتماعی «در هر سال» چند مرکز ملکی جدید برای ارائه خدمات درمانی به بیمه‌شدگان می‌سازد، پاسخ این سوال را نمی‌دانیم، در هر دو سال چطور، باز هم نمی‌دانیم؛ برنامه این سازمان برای ساخت مراکز ملکی در هر پنج سال چیست؛ و باز هم پاسخی نداریم. در واقع به جز اخبار کلی و بدون جزئیات که گاه به گاه از مصاحبه‌های مدیران سازمان بیرون می‌آید، اطلاعی از برنامه و نقشه راه مشخص سازمان تامین اجتماعی برای ساخت و تجهیز مراکز ملکی در نقاط مختلف کشور به خصوص در مناطق محروم و کم امکانات نداریم؛ آیا اساساً برنامه و زمانبندی مشخصی برای این کار وجود دارد؛ آیا سازمان اهداف بلندمدت، میان مدت و یا کوتاه مدتی برای ساخت مراکز ملکی و توسعه ارائه خدمات درمانی رایگان به بیمه‌شدگان کارگری دارد؟

بی‌خبری از ساخت و تجهیز مراکز ملکی در دو سال اخیر

در تاریخ هجدهم مرداد ۱۴۰۰، مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی از ساخت ۶۱ مرکز درمانی جدید در سراسر کشور به همت این سازمان در دوران شیوع کرونا خبر داد. در این

خبر هیچ جزئیاتی درج نشده و هرچه می‌گردیم پاسخ این سوالات را که این مراکز درمانی در کدام شهرها، با چه سطحی از امکانات و در چه تاریخی افتتاح شده‌اند، پیدا نمی‌کنیم؛ فقط یک خط خبر ساده است که توضیحاتی ندارد... دست به جستجوی پیشرفته در «پایگاه خبری سازمان تامین اجتماعی» با کلیدواژه‌های «مراکز ملکی» و «ساخت مراکز ملکی» می‌زنیم؛ نتیجه‌ی این جستجو: از آغاز سال ۱۴۰۰ تا امروز (در دو سال اخیر) هیچ خبری در مورد ساخت مرکز درمانی جدید توسط سازمان تامین اجتماعی پیدا نمی‌کنیم. تمام اخبار موجود مربوط به قبل از این تاریخ است. به نظر می‌رسد که در دو سال جدید هیچ مرکز ملکی جدیدی ساخت، تجهیز یا افتتاح نشده است.

بیمه شدگان اطلاعات ندارند

سازمان تامین اجتماعی به عنوان بزرگترین سازمان بیمه‌گر و تقریباً اولین ارائه دهنده خدمات درمانی کشور که صفر تا صد موجودیت نهادی و ساختاری آن از محل حق بیمه‌های دریافتی بیمه شدگان از سال ۱۳۵۴ تا امروز شکل گرفته، هیچ زمان در مورد نحوه‌ی هزینه‌کرد اعتبارات اندوخته در صندوق درمان خود، شفاف‌سازی صورت نداده است؛ هر کارگر در زمان اشتغال، یک سوم حقوق خود را بابت حق بیمه می‌پردازد که از این میزان، «نه/هفت بیست و هفتم» سهم درمان است و باید صرف مخارج درمانی او شود؛ بعد از سی سال پرداخت سنگین، در زمان بازنشستگی باز دو درصد از مستمری هر کارگر بابت درمان کسر می‌شود و به صندوق درمان می‌رود. اگر یک تحقیق جامع و ساختاری صورت بگیرد، مشخص می‌شود که از سال ۱۳۵۴ تا امروز، چقدر سرمایه در صندوق درمان سازمان تامین اجتماعی ذخیره شده؛ این پول انبوه با در نظر گرفتن سود آن که باید از محل سرمایه‌گذاری‌ها به آن افزوده می‌شود، کجا خرج شده؛ در هر سال یا هر پنج سال به طور مشخص چقدر تجهیزات درمانی، فضاها و امکانات جدید ایجاد شده است؟ بیمه شدگانی که سال‌ها پول ارزشمند خود را در صندوق درمان ریخته‌اند، حق دارند این اطلاعات را واضح و روشن بدانند ضمناً حق دارند از این بابت مطالبه‌گر باشند که «برنامه سازمان برای ساخت و تجهیز مراکز ملکی چیست» تجربه عینی کارگران و بازنشستگان نشان می‌دهد که سازمان در خرید خدمات درمانی از مراکز دولتی و خصوصی موفق نبوده و تاکیدات قانون الزام مبنی بر لزوم ارائه خدمات درمانی رایگان در تمام بخش‌ها به بیمه شدگان کارگری رعایت نشده؛ تنها در مراکز ملکی سازمان است که «تا حدودی» درمان کم هزینه‌تر است البته اگر از هیات امنایی شدن بیمارستان‌های تامین اجتماعی و خروج داروها از شمول بیمه بگذریم.

مشاهدات یک بازنشسته

به این ترتیب، ساخت مراکز ملکی جدید برای جلوگیری از افول هرچه بیشتر سطح کمی و کیفی خدمات درمانی، یک ضرورت است؛ بیمه شدگان می‌خواهد بدانند چرا مراکز جدید ساخته نمی‌شود؛ احمد قاسمی (بازنشسته حداقل بگیر کارگری (تجربه و مشاهدات خود از یک روز مراجعه به مراکز ملکی را ساده و با جزئیات کامل روایت می‌کند: «من مستمری

بگیر حداقلی هستم؛ در تاریخ شانزدهم فروردین ۱۴۰۲ به علت درد زانو به درمانگاه ابوریحان تهران مراجعه کردم؛ مسنول پذیرش با خوشرویی جوابم را داد و گفت دکتر ارتوید نداریم باید به بیمارستان معیری مراجعه کنید. با زحمت زیاد موفق شدم برای بیست و هشتم فروردین ساعت هشت و نیم صبح اینترنتی وقت بگیرم که اصلاً کار ساده‌ای نبود. ۲۸ فروردین ساعت پنج و نیم صبح از منزل خارج شدم که خودم را به موقع به بیمارستان برسانم؛ ساعت ۷ رسیدم و برای پذیرش نوبت گرفتم؛ همان سر صبح نفر هفتاد و هشتم بودم! منتظر شدم تا نوبتم شد؛ بعد از پذیرش برای ویزیت دکتر رفتم؛ دکتر سر ساعت هشت به مطب آمد؛ بعد از معاینه دستور رادیولوژی داد؛ به آنجا مراجعه کردم و نوبت گرفتم؛ بعد از گرفتن عکس، دوباره به دکتر مراجعه کردم؛ البته ناگفته نماند که وقتی دوباره برگشتم، در سالن جای سوزن انداختن نبود؛ بالاخره هر طور شده از لابلای مردم خودم را به مطب رساندم و پیش دکتر رفتم؛ بعد از دیدن عکس تشخیص داد که دچار آرتروز زانو شده‌ام و برایم دارو تجویز کرد. به داروخانه‌ی همانجا مراجعه کردم؛ از پنج قلم داروی تجویزی دکتر، فقط دو قلم آن را به من دادند؛ تا این جای کار هیچ وجهی از من دریافت نکردند؛ من سه قلم دیگر را ناچاراً از بیرون تهیه کردم؛ آن روز از پنج و نیم صبح تا سه و چهار بعدازظهر معطل شدم...» این بازنشسته بعد از پایان این روایت، چند جمله کوتاه می‌گوید: «چرا دولت بدهی‌های خود را به موقع به سازمان نمی‌دهد و در عوض چوب حراج به دارایی‌های سازمان می‌زند؛ امروز بسیاری از بیمارستان‌های ملکی سازمان استیجاری است و متأسفانه صاحب ملک دستور تخلیه گرفته؛ اگر دولت بدهی‌های خود را به تامین اجتماعی می‌پرداخت و این سازمان مدیران موفق و کار درست داشت که به خوبی از دارایی‌های و اموال کارگران محافظت می‌کردند و این دارایی‌ها خرج حقوق‌های نجومی مدیران نمی‌شد، امروز تامین اجتماعی مجبور به اجاره ملک نبود و می‌توانستند بیمارستانهای زیادی با تجهیزات کامل بخرند تا از تراکم جمعیت در یک بیمارستان کاسته می‌شد و دیگر احتیاجی نبود بازنشستگان فقط به یک بیمارستان مراجعه کنند و ساعت‌ها درانتظار ویزیت دکتر بمانند. دیگر پیرمردانی را نمی‌دیدیم که پنج صبح از خانه خارج می‌شوند و تا پنج عصر معطل درمان یک آرتروز ساده هستند!» باز هم نمی‌دانیم!

وقتی مراکز ملکی محدود است و وقتی پزشکان متخصص و امکانات درمانی فقط در تعداد محدودتری از این مراکز اندک یافت می‌شود، یک صبح تا بعدازظهر سرگردانی و سر پا ایستادن، برای اینکه از دکتر نسخه‌ی یک درد ساده‌ی آرتروز زانو را بگیری، طبیعی است.

امروز نمی‌دانیم برنامه عملی سازمان برای گسترش مراکز ملکی مجهز چیست؛ آیا قرار است ساخت، خرید و تجهیز بیمارستان‌های ملکی متوقف شود؛ آیا در چند سال آینده مراکز استیجاری نیز با فشار مالکان و اجاره‌های سنگین، تخلیه می‌شوند و دست بازنشستگان بیشتر از قبل در حنا می‌ماند؛ پاسخ این سوالات را هم نمی‌دانیم. گزارش: نسرين هزاره مقدم

نان برای زندگی، نه جان برای نان!



مصاحبه مازیار گیلانی نژاد مسوول سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و نماینده ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای با خبرگزاری اینلنا

جمع‌بندی درس‌های اعتراضات کارگران پروژه‌ای جنوب: فقدان تشکل و ادامه‌ی حاکمیت پیمانکاران

به گزارش خبرنگار اینلنا، آغاز اعتراضات کارگران پیمانی جنوب از اردیبهشت سال جاری مانند سنوات گذشته بر سر مطالبه اصلی ۱۰ روز مرخصی و ۲۰ روز کار (که باعث نامگذاری این کمپین به ۲۰-۱۰) شد، یکی از مسائل مورد بحث در میان کارگران و کارشناسان حوزه نفت است که بر وضعیت این کارگران در این مجموعه‌ها تاکید می‌کرد؛ وضعیتی که کمابیش باعث شده بود کارگرانی ولو با دستمزدهای بیش از حداقل (گاه بین ۲۰-۳۰ میلیون تومان) در موقعیتی قرار بگیرند که باز هم برای درخواست افزایش حقوق و مرخصی روزانه بیشتر، دست از کار بکشند. به نظر می‌رسد اکنون که اعتراض کارگران در ایستگاه پایانی خود قرار دارد و شرایط از حالت ملتهب خارج شده است، بازبینی مطالبات کارگران پروژه‌ای در جنوب کشور حائز اهمیت باشد.

کمپین کارگران پیمانی جنوب

کمپین کارگران برای بهبود وضعیت قراردادهای خود در جنوب کشور محدود به کارگران پروژه‌های نفتی نماند و در کرمان، هرمزگان، بوشهر، خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد و

اصفهان و در سایر حوزه‌های کار پروژه‌های نیز وارد شد. همچنین مطالبات آنان به مطالبه ۱۰ روز مرخصی و ۲۰ روز کار محدود نماند و به بحث مطالبه افزایش ۷۹ درصدی مزد هم تسری یافت. در نیمه سال گذشته تاخیر و عقب افتادن پی در پی حقوق نیروهای پروژه‌های صنایع نفت و گاز و پتروشیمی و پالایشگاهی، یکی از مشکلاتی بود که شرایط را برای دست از کار کشیدن جمعی از این کارگران فراهم کرد. عقب افتادن ۲ تا ۳ ماهه پرداخت‌ها آن هم برای کارگران پروژه‌های در کنگان و عسلویه و سایر پروژه‌ها مهرماه سال گذشته دوباره کار را به اعتراض کشانیده بود. در این میان چند روایت و چند واکنش در رابطه با مطالبات کارگران پروژه‌های جنوب مطرح بود. برخی از جریان کارفرمایی و دولتی و حتی کارگری نوعی نگاه منفی به این تحرکات داشتند. برخی آن‌ها را تحریک شده از بیرون ارزیابی می‌کردند و معتقد بودند کارگران پروژه‌های برخلاف تبلیغات درآمد بسیار بالایی دارند و از حقوق متعارف موجود بیشتر دریافت می‌کنند. در عین حال، برخی دیگر از کارگران که شغل خود را فصلی می‌دانند، هرگز چنین تصویری از شغل خود ندارند. آن‌ها ممکن است نیمی از سال را بدون پروژه و درآمد زندگی کنند.

مشکلات رفاهی و بیمه‌ای

مازیار گیلانی نژاد (فعال کارگری) درباره مشکلات این کارگران اظهار کرد: اولین کمپینی که در میان کارگران پروژه‌های راه افتاد، کمپین موسوم به افزایش حقوق بود که در مرداد ۱۳۹۹ به راه افتاد. در آن زمان اعتراضات کارگران پروژه‌های منجر به افزایش ۲ برابری مزد بخش قابل توجهی از نیروها شد. برای مثال جوشکاران یا فیت‌هایی که ۵ تا ۶ میلیون حقوق می‌گرفتند، با آن حرکت جدید توانستند به مزد کار پروژه‌های ۱۰ تا ۱۲ میلیون تومان در سال ۱۳۹۹ برسند. در ابتدای این کمپین بحث صرفاً بر سر مزد و در مجادله با پیمانکاران نفتی بود. موضوعاتی که بعداً از سال ۱۴۰۰ مطرح شد، موضوع ساعت کار و امور رفاهی بود که به بحث افزایش حقوق اضافه شد. چیز عجیبی که در آن زمان وجود داشت این بود که پیمانکاران لیست حقوقی داشتند که در آن لیست برای کارگران ماهر (مثلاً جوشکاران پروژه‌های) حقوق ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان منظور شده بود، اما در زمان پرداخت در پایان سال ۱۳۹۹ مزندهای ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومانی را شاهد بودیم. در همان سال ۱۳۹۹ مسئله رفاهیات نیز وجود داشت، برای مثال باتوجه به قیمت‌های سه سال پیش روزانه از هر کارگر برای ناهار ۱۰ هزار تومان کسر می‌شد اما غذا سیب زمینی یا تخم‌مرغ ساده بود که با قیمت‌های سال ۱۴۰۲ که در آن هستیم نیز قابل تهیه است! سرویس‌های رفت و آمد نیز از مشکلات رفاهی کارگران بود؛ کارگران یا سرویس نداشتند یا وسایل ایاب و ذهاب کاملاً غیراستاندارد بود، همچنین این سرویس‌ها و وسایل یک طرفه بود و برگشت نداشت! این مسائل که کرامت انسانی کارگر را نیز تهدید می‌کرد، باعث شد تا کمپین ۱۰-۲۰ با محوریت مسئله رفاهیات، مرخصی، بیمه و حقوق آغاز شود.

وی با اشاره به مشکل بیمه‌ای و تخلفات گسترده برخی در این حوزه گفت: ما بارها گفتیم که برای کارگران پروژه‌ای نباید این حق خوری پیش بیاید که برای کارگری با حقوق ۲۰ تا ۳۰ میلیون حق بیمه کارگر حداقل بگیر ساده رد شود. ما در دیدار با رئیس منطقه ویژه اقتصادی توافق‌نامه‌ای نوشتیم که طبق قانون کار در سال ۱۴۰۱ با مصوبه شورای عالی کار حقوق کلیه کارگران باید ۳۸ درصد (سایر سطوح) افزایش یابد. همچنین مسئله تفاوت کسر حقوق رفاهی با امکانات رفاهی کارگران (مثل تفاوت بین کسر ۵۰ هزار تومانی حق ناهار و دادن ماکارونی ساده در سال گذشته) نیز با جزئیات مورد بحث قرار گرفت. توافقات صورت گرفته البته به امضای بازرسان منطقه، نمایندگان پیمانکاران و رئیس منطقه آزاد رسید. ما درباره بحث لیست‌های بیمه‌ای و تخلفات کارفرمایانی که برای کارگر پردرآمد پروژه‌ای ماهر با دستمزد بالا لیست بیمه حداقل بگیرری رد می‌کردند- نامه‌ای با مستندات به سازمان تامین اجتماعی نوشتیم و از حق الناس در حال تضییع که باید به صندوق تامین اجتماعی واریز شود با آوردن اسم شرکت‌ها و جزئیات صحبت کردیم. ما استدلال کردیم که برخی کارفرمایان و پیمانکاران در جنوب در حال ورشکست کردن سازمان تامین اجتماعی از محل عدم پرداخت حق بیمه واقعی هستند.

وی با اشاره به مشکل مرخصی‌ها گفت: مسئله ۱۰ روز مرخصی و ۲۰ روز کار که باعث نامگذاری کمپین ۱۰-۲۰ شد، از ابتدا عرف کارگاهی کار پروژه‌ای در جنوب بود و این مسئله بعداً با کار ۲۵ روزه و مرخصی ۵ روزه و یا کار ۲۴ روزه و مرخصی یک هفته‌ای نقض شد. در بحث حقوقی نیز اکنون به‌طور متوسط در پروژه‌های نفت و گاز و پتروشیمی کارگر ساده پروژه‌ای ۱۵ تا ۱۸ میلیون تومان دریافت می‌کند، اما با توجه به اینکه کار آن‌ها بسیار سخت و فصلی است و جنبه دائمی ندارد و در صورت تعطیلی پروژه برای امرار معاش باید شغل موقت دیگری، پیدا کنند، استدلال کردند که حقوق ما نباید ۲۰ درصد افزایش یابد بلکه باید ۷۹ درصد با توجه به شرایط سختی کار افزوده شود تا زندگی‌شان بچرخد.

نماینده کارگران پروژه‌ای در جنوب با اشاره به شایعات مطرح شده درباره حقوق بالای کارگران پروژه‌ای گفت: این موارد وجود دارد که کارگر بسیار ماهری اکنون در حوزه‌های بسیار فنی جوشکاری، فیتری، نصب داربست و سایر حوزه‌های حرفه‌ای‌تر، چیزی حدود ۴۰ تا ۵۰ میلیون حقوق بگیرد. اما این بخش ماجرا گفته نمی‌شود که این کارگران پروژه‌ای هستند و بسیار عادی است که بعد از انجام یک پروژه سه یا چهار ماهه، یکسال یا نهایتاً شش ماه بیکار بمانند! لذا اگر عرف این است که کارگر پروژه‌ای حقوقی بگیرد که اگر شش ماه نیز بیکار ماند، بتواند امرار معاش داشته باشد. این در حالی است که قرار بوده کارگر پروژه‌ای حقوق معوقه داشته باشند و طرف مقابل نیز قول داده که حقوق عقب نیفتد.

گیلانی نژاد با تاکید بر این مطلب که از آذر و دی ماه ۱۴۰۱ برخی پروژه‌ها از نظر تعویق پرداخت مزد دچار تاخیر شدند که از عوامل شروع دوباره اعتراضات کارگران بود، گفت: برخی پیمانکاران در این میان از عدم وصول مطالبات خود صحبت می‌کردند که ربطی به کارگران نداشت. بالاخره آورده اولیه خود پیمانکار و مدیریت و ابتکار خود او نیز ملاک است وگرنه هر فرد عادی از خیابان نیز بطور تصادفی انتخاب شود، این توانایی را دارد که پولی را از دولت بگیرد و در قبال انجام پروژه به کارگر بدهد و سهم خود را بردارد! این تعریف درست از پیمانکار نیست؛ پیمانکار در واقع کسی است که با همه کسری‌ها و مشکلات بتواند به موقع حساب‌های خود را با طرف‌های حساب خود از جمله کارگران تسویه کند. در برخی اقلام خوراکی شاهد تورم ۳۰۰ درصدی طی یک سال بودیم و این طبیعی است که بسیاری از کارگران به ویژه در حوزه پروژه‌ای به افزایش ۲۷ درصدی حداقل دستمزد کفایت نکنند و بحث ۷۹ درصد را مطرح کنند. فقط در حوزه حمل و نقل که دست خود دولت است شاهد افزایش ۴۵ درصدی قیمت‌های خدمات حمل و نقل عمومی هستیم.

وی با اشاره به اینکه کارگران پروژه‌ای همگی مشمول کسر ۱۰ درصد مالیات هستند، اظهار کرد: «با توجه به این حقوق‌ها و سقف ۱۰ میلیون تومانی برای کسر مالیات بر حقوق به میزان ۱۰ درصد، بسیاری از کارگران ما با مالیات مسئله دارند. برای مثال کارگری که ۱۲ میلیون تومان حقوق می‌گیرد با کسر مالیات و کسر هزینه رفاهی‌ات عملاً دوباره حقوق زیر ۱۰ میلیون تومان مزد می‌گیرد. اینکه از کارگرانی که ۱۵ میلیون تومان حقوق می‌گیرند، ناگهان ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان کسر مالیات شود، یک ضربه قابل توجه به مزد و معایش محسوب می‌شود. این درحالی است که بسیاری از تجار و افراد ثروتمند حتی دو درصد مالیات نیز نمی‌دهند و این درحالی است که مالیات همان ابتدا از حقوق کارگران کسر می‌شود.» وی درباره بحث اضافه کارها گفت: ما توافق کاملی روی بحث ۲۰ روز کار در ماه آن هم به صورت ۸ ساعته در روز کردیم. اگر ساعت بیشتری کارگر در محیط کار نگه داشته شود، باید اضافه کار محسوب شود، اما بسیاری این میزان اضافه کار را پرداخت نمی‌کنند یا مبلغ ناچیز و خلاف تعرفه قانون کار درباره اضافه کار در جنوب می‌پردازند. این درحالی است که در سال ۱۴۰۱ همان ۲۰ روز که کارفرمایان و پیمانکاران قول دادند، با ۱۰ ساعت کار روزانه بسته شد! ما می‌گوییم که اساساً در فلسفه قانون کار، اضافه کار متعلق به کارگر بیکار است و اجباری نباید باشد. کارگر باید بتواند با همان ۸ ساعت کار و مزد آن حقوق خود را بچرخاند. اگر پیمانکار می‌خواهد کار خود را زودتر تمام کند، بجای تحمیل اضافه کار اجباری (که اگر در قرارداد با شرط موقت بودن اضافه کار قید نشود، غیرقانونی است) باید کارگر بیشتری استخدام کند و به اشتغال بیشتر کمک کند. کارفرما و پیمانکار با گرفتن اضافه کار از ۴ کارگر عملاً هر روز یک کارگر را بیکار می‌کند تا بتواند آن مزایایی که به آن یک کارگر جدید تعلق می‌گیرد را ندهد!

گزارش: رضا اسدآبادی

مافیا در راس امور !

با موج گرانی های هر روزه که از سال قبل و با دستور دولت به جامعه تحمیل شد و کالاها ۳ برابر افزایش قیمت یافتند، زحمتکشان در رنج و عذاب هستند. هم اکنون مرغ از قیمت مصوب دولت از ۶۲ هزار تومان به ۹۵ هزار تومان رسیده است که نشانگر آن است دولت توانایی کنترل قیمت ها را نه تنها در عرصه مواد غذایی، کالاهای صنعتی، ارز، خودرو، دارویی و بهداشتی و.... را ندارد، بلکه با دستورهای غلط خود به این گرانی ها دامن می زند.

به گفته علی دهقان کیا رییس هیات مدیره کانون بازنشستگان تهران تاکنون ۵۰۰ قلم دارو از لیست داروهای سازمان تامین اجتماعی که به صورت رایگان در اختیار بازنشستگان و کارگران قرار می گرفت، پولی شده است. گرانی ها و برداشته شدن خدمات رایگان در عرصه دارو و درمان سازمان تامین اجتماعی نشان دهنده این است که مافیا همه کاره اقتصاد، صنعت، دارو و درمان، مواد غذایی و سیاست است و به هیچ قانونی هم تمکین نمی کند و بالاتر از قانون، قدرتش را اعمال می کند. این مافیا از حذف شرکت های پیمانکاری در عرصه تامین نیروی انسانی که لایه اش در مجلس در حال رفت و آمد است جلوگیری می کند. از اجرای قانون بیمه شدن کارگران ساختمانی طفره رفته و آنها را برخلاف قانون بیمه نمی کند. با اعتراضات کارگران پروژه ای در عرصه نفت و گاز با نیروهای امنیتی برخورد می کند.

این مافیا زحمتکشان را فقیرتر و گرسنه و درمانده می خواهد. داروهای رایگانی را که تامین اجتماعی از اندوخته های کارگران باید به دست بیماران برسد را قطع می کند تا هرکس پول ندارد، بمیرد. مافیا دلال بازی را رونق داده تا در همه عرصه های سیاست، اقتصاد، درمان، مواد غذایی سودهای نجومی کسب کند.

به این سیاست های ضد انسانی، نئولیبرالیسم می گویند.

هیات تحریریه پیام سندیکا

وقتی محجوب و اسدی نماینده کارگر می شوند!

سالهاست محجوب نماینده مثلن کارگران در مجلس بود. در زمان این رییس خانه کارگری قرارداد‌های موقت، خارج شدن کارگاه‌های زیر ده نفر از شمولیت بیمه، خارج شدن مناطق آزاد تجاری از شمولیت قانون کار و تامین اجتماعی، تصویب دستمزدهای زیر تورم و حقیرانه، دستبرد های مکرر به منابع تامین اجتماعی از جمله خرید کارخانه های شستا به قیمت ارزان و پرداخت نکردن پول خرید این کارخانه ها، سکوت در برابر دزدی های آشکار مدیران بی لیاقت از صندوق تامین اجتماعی و شستا، منصوب کردن مدیران اختلاس گر در شستا و بدتر از همه گوش فرمان بودن ایشان و سایر اعضای خانه کارگر از جمله حسن صادقی، سهیلا جلودار زاده در مقابل دست اندازی های کارفرمایان و دولت ها را می توان نام برد.

از سوی دیگر نشستن عناصر کارخانه دار همچون اسدی در هیات مدیره کانون بازنشستگان قزوین و سپس حضور در کانون عالی باعث شده اند که دست اندازی به درمان، معیشت بازنشستگان هر روز از سوی مافیای فعال در سازمان تامین اجتماعی و دولت بیشتر گردد.

علی دهقان کیا یکی از عناصر بی عرضه هیات مدیره کانون بازنشستگان تهران در ماه گذشته در مصاحبه ای اعتراف کرد که ۵۰۰ قلم دارو از لیست رایگان تامین اجتماعی حذف شده است. ما به او می گوییم: «پس تو در این مدت داشتی چه غلطی می کردی؟ مگر نماینده ما نیستی؟»

اما موضوع این است که امثال محجوب و اسدی که دارای کارخانه و کارگر هستند نمی توانند از حقوق کارگر و بازنشسته دفاع کنند. چرا که با رعایت مقررات قانون کار به منافع شان ضرر وارد می شود و در کارخانه های خود شاهد سود کمتر خواهند بود. پس بهتر است تا می توانند از خود بی عرضگی و تعلل نشان دهند تا کارگران مستاصل شده برایشان با حقوق کمتر کار کنند و اینان هم حق بیمه کمتری پرداخت کنند

نفرین خانواده های کارگری بر شما که در لباس دوست بزرگترین خیانت ها را علیه کارگران و بازنشستگان انجام داده اید و انجام می دهید.

قراردادهایی که لغو می شوند!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بیمارستان پاستور قزوین که یکی از مراکز مهم بیمارستانی در این شهر است و عموم بازنشستگان تامین اجتماعی برای درمان بیماری های خود به آن مراجعه می کنند در آخرین لحظات روز ۳۱ اردیبهشت قرارداد خود را با بیمه آتیه سازان فسخ کرد. از روز اول قرارداد کلیه بیمارانی که از ماهها قبل برای جراحی ها و دیدن بیماران توسط پزشکان متخصص وقت داشتند با این جمله روبرو شدند: «قرارداد با آتیه سازان لغو شده است. برای روند درمان باید پول بپردازید»

در اینکه بیمه آتیه سازان از بدهکاران بزرگ مراکز درمانی است و صد البته سازمان تامین اجتماعی از پرداخت بدهی های خود به مراکز درمانی قصور می ورزد و از طرف دیگر دولت با ندادن طلب های خود به سازمان تامین اجتماعی تکمیل کننده پولی شدن درمان در کشور است، تردیدی نیست.

پولی شدن درمان و نابودی سازمان تامین اجتماعی خواست دولت و از دستورات سیستم اقتصادی سیاسی نئولیبرالیسم است. اما بی عرضگی هیات مدیره های کانون های بازنشستگی خود قصه ای دیگر است. سال گذشته ماهها داروخانه های شهر قزوین با اعتصاب مسوولان فنی داروخانه ها روبرو شده و مدت ها طول کشید تا دولت و سازمان تامین اجتماعی بخشی از بدهی خود به داروخانه ها را بدهند.

وقتی هیات مدیره های کانون های بازنشستگی کارگران تامین اجتماعی کارخانه دارانی چون اسدی عضو هیات مدیره کانون بازنشستگی قزوین باشند باید منتظر این گونه وقایع بود. باید این نالایقان را از هیات مدیره های کانون های بازنشستگی بیرون ریخت.

**در قحطی نیشابور چهل شبانه روز گشتم، نه در هیچ مکانی
صدای ادانی بود و نه هیچ مسجدی گشاده؛ آنجا دانستم نام
اعظم خداوند نان است!**

عطار نیشابوری

در شرکت تولید و توزیع قارچ نارین سپاهان چه می گذرد؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت تولیدی قارچ در اصفهان، شهرستان تیران، بخش کرون، روستای نسیم آباد، روستای بودان فعالیت می کند و دفتر فروش و توزیع آن در اصفهان می باشد و حدود ۶۰ نفر در این شرکت مشغول به کار هستند. مدیرعامل آن آقای حجت دادخواه هست. در این شرکت به خاطر بهره کشی بیشتر از نیروی کار، دستمزد و بیمه کارگران نه براساس روز و ساعت کاری بلکه بر اساس کیلو بار محاسبه می گردد، تا هم شدت کار زیاد شود و هم دستمزد کمتری پرداخت گردد. در این شیوه ی ابداعی وقتی محاسبه ساعات کار و میزان دستمزد صورت می گیرد، مشخص می شود که یک کارگر ردر ازای حدود ۱۰ ساعت کار روزانه دستمزد او به حداقل حقوق اداره ی کار هم نمی رسد. ضمن اینکه تعطیلات رسمی و جمعه هاهم شامل حال آنها نشده و کارگران برای رسیدن به این میزان حقوق غیرقانونی هم باید به شدت کار کرده و هم ساعات بیشتری صرف کنند.

ساعات کاری افراد مقیم آنجا از ساعت ۶ صبح تا ۱۰ شب و افراد غیر مقیم از ساعت ۸ صبح تا ۸ شب می باشد که گاهی کم و زیاد می شود و نکته دیگر اینکه گاهی عده ای زودتر کارشان تمام می شود و باید بیکار بمانند تا دیگران کارشان تمام شود و همه با سرویس برگردند. حقوق بر اساس کیلو بار، بسته به کیفیت چیدن قارچ از ۱۰۰۰ تومان تا ۱۸۰۰ تومان محاسبه می گردد و به طور متوسط ساعتی حدود ۱۵ کیلو قارچ جمع آوری می گردد. بیمه نیز بر اساس هر ۳۰ کیلو بار یک ساعت کاری حساب می شود. بر این اساس مبلغی بین ۵ تا ۷ میلیون تومان پرداخت می شود با توجه به این ساعات کاری و شدت کار. با اینکه گاه تا ۱۲ ساعت کارگران مشغول به کار هستند ولی عده غذایی به آنها تعلق نمی گیرد و غذا باید همراه خود ببرند. قرارداد کار یک ساله است و جالب است که قرارداد به دو صورت رسمی و غیررسمی یعنی براساس کیلو بار با کارگران منعقد می گردد. کارگران می گویند با اینکه سال ۱۴۰۱ بطور کامل ۱۲ ماه برای این شرکت کار کرده اند اما هیچ مبلغی عیدی دریافت نکرده اند. همچنین بر اساس فیش حقوقی بابت حدود ۷ میلیون حقوق ۴۱۲ هزار تومان بابت بیمه و ۸۴۸۰۰ تومان بابت مالیات از حقوق کارگران کسر می شود.

با این شرایط که در ایران نمونه های آن کم نیستند، معلوم نیست قوانین برای چه نوشته شده اند و چه مواقعی کاربرد دارند؟

سندیکاهای کارگری حق زنان را برای کسب حقوق برابر در محیط

های کاری به عنوان اصلی ترین حق زنان کارگر به رسمیت

می شناسد.



او ۸۵ ساله است و اصرار دارد که هر جا می روند دست همسرش را بگیرد. وقتی از او پرسیده شد که چرا همسرش به اطراف نگاه می کند، او پاسخ داد: "او آلزایمر دارد." سپس از او پرسیده شد که آیا همسرت اگر او را رها کنی نگران خواهد شد؟ او سپس پاسخ داد: «او هیچ چیز را به خاطر نمی آورد، او دیگر نمی داند من کی هستم، او سال هاست که مرا نمی شناسد. با تعجب گفتم: "و تو هر روز او را به گردش می ببری، با اینکه تو را نمی شناسد؟" پیرمرد لبخندی زد و به چشمانم نگاه کرد و گفت: «او ممکن است نداند من کیستم، اما من می دانم او کیست. او عشق تمام زندگی من است.»

داغ حسرت

گوش دل وا کن تو ای بالا نشین تا بگویم با تو از این سرزمین
 سرزمینم یکسره دوزخ بماست لیک فردوس برین اغنیاست
 از گرانی جان ما بر لب رسید کس عمل از وعده ها هرگز ندید
 هرچه از این سرزمین گویم کم است زآنکه اقیانوس رنج و ماتم است
 خلق برآنند در این روزگار روزگار وحشت و مردم نزار
 باند یک درصد شود هر جا مهار تا شود بنیاد هستی استوار
 درد با دست خرد درمان شود زندگی بر کام هر انسان شود
 آن زمان انسان توان گفتن بما کس نیفتد در جهان از پا ز ما

علی جعفری مرندي (کارگر)

ما مخالف واردات بی رویه و نابود کننده صنعت، کشاورزی، دامداری و موافق اعمال نظارتی شدید بر بازرگانی خارجی هستیم. ما موافق گرفتن مالیات اصولی و برنامه ریزی شده از سرمایه داری انگل تجاری و قماربازان اقتصادی هستیم. ما موافق دخالت سندیکاهای کارگری و دیگر تشکل های مردمی در امر مسایل اقتصادی و اجتماعی هستیم، بخصوص در مدیریت تامین اجتماعی و اجرای کامل قانون کار و نظارت بر واحدهای تولیدی بحران زده و همچنین بکارگیری و اعمال دقیق قانون کار، ایمنی و بهداشت کار و تامین اجتماعی در واحدهای تولیدی هستیم.

هر وعده که دادند به ما باد هوا بود هر نکته که گفتند غلط بود و ریا بود
 چوپانی این گله به گرگان بسپردند این شیوه و این قاعده ها رسم کجا بود؟
 رندان به چپاول سر این سفره نشستند اینها همه از غفلت و بیحالی ما بود!
 خوردند و شکستند و دریدند و تکاندند هرچیز در این خانه بی برگ و نوابود
 گفتند چننیم و چنانیم دریغا... اینها همه لالایی خواباندن ما بود!
 ایکاش در دیزی ما باز نمی ماند یا کاش که در گربه کمی شرم و حیا بود!!

ایرج میرزا



از شیخ بهایی پرسیدند؟
 ای شیخ !! خدا را کجا یافتی؟
 فرمود: من خدا را در قلب کسانی دیدم که بی هیچ توقعی ،
 مهربانند....

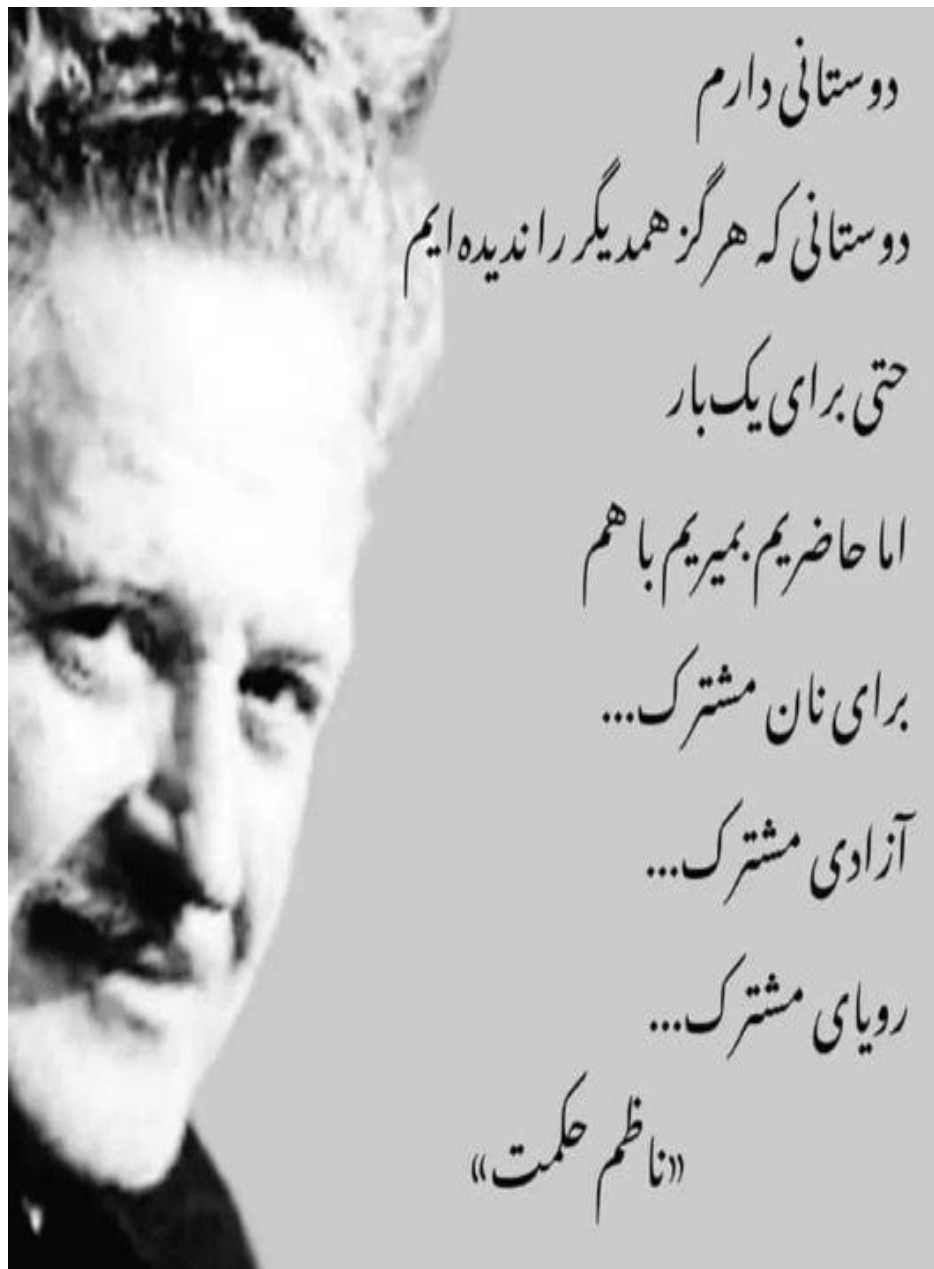
برید جلو
خدا با ماست...

سرباز :
اگه خدا با ماست ,
پس کی با اوناست ,
که مارو اینجور تیکه پاره میکنن...!!

"دیالوگ ماندگار از فیلم نجات سرباز رایان"

تعدادی از منتقدین سینما این دیالوگ را به عنوان بهترین
دیالوگ کل تاریخ سینما، انتخاب کرده اند...





دوستانی دارم
دوستانی که هرگز همدیگر را ندیده ایم
حتی برای یک بار
اما حاضریم بمیریم با هم
برای نان مشترک...
آزادی مشترک...
رویای مشترک...
«ناظم حکمت»

معرفی کتاب حرفه‌هایی با دخترم درباره‌ی اقتصاد



معرفی کتاب حرفه‌هایی با دخترم درباره‌ی اقتصاد و تاریخ مختصر سرمایه‌داری است. این کتاب را که یک فرصت خوب برای آموختن اقتصاد است یک نفر با درجه دکترای تخصصی اقتصاد نوشته است و سابقه تدریس این علم در دانشگاه‌های معتبر و مشهور ایران دارد. اما اهمیت همین کتاب در این است که به زبان ساده و قابل فهم برای دخترش سبنا اقتصاد را توضیح داده است. دکتر یانیس و آروفاکیس نویسنده این کتاب که زمانی وزیر اقتصاد دولت چپ‌گرای یونان نیز بوده است، تاکید دارد که در مقام استاد اقتصاد همواره باور داشتیم که اگر نتوانی اقتصاد را به زبانی که جوانان می‌فهمند توضیح دهی پس خودت هم اصلاً نمی‌دانی چه می‌گویی... تضمین اینکه هر کسی می‌تواند مقتدرانه از اقتصاد حرف بزند پیش‌نیاز جامعه خوب و پیش‌شرط دموکراسی اصیل است... اگر ما تسلیم متخصصان اقتصاد شویم عملاً تمام تصمیم‌های مهم را به آن‌ها سپرده‌ایم.

او در این کتاب با استفاده از زبانی واضح و مثال‌هایی مشخص، به دخترش می‌گوید اقتصاد چگونه عمل می‌کند، از کجا آمده و چگونه در خدمت منافع برخی اقلیت و در صدد تضعیف اکثریت دیگر جامعه برمی‌آید. وی پای

بانکداران و سیاستمداران را به بحث باز می‌کند تا در مورد منشا تاریخی نابرابری در بین ملت‌ها توضیح دهد. همچنین می‌خواهد در کتابش این عقیده فراگیر را که «هر چیزی قیمتی دارد» زیر سوال ببرد و نشان دهد که چرا بی‌ثباتی اقتصادی می‌تواند یک خطر مزمن قلمداد شود. نهایتاً واروفاکیس توضیح می‌دهد که چگونه سیاست‌های بازارمحور در پرداختن به سلامتِ رو به زوال سیاره‌ای که نسل دخترش وارث آن هستند، کاملاً ناتوان بوده و خواهد بود. ویژگی منحصر به فرد این کتاب این است که نویسنده در آن می‌کوشد مانند پدري بنویسد که می‌خواهد به سوال‌های اساسی دخترش در مورد عصر حاضر پاسخ دهد؛ پاسخ‌هایی که دختر جوان بتواند با بصیرت موجود در آنها در برابر شکست‌ها و تاریکی سیستم کنونی مجهز شده و راهی به سمت بدیل‌های دموکراتیک‌تر پیدا کند.

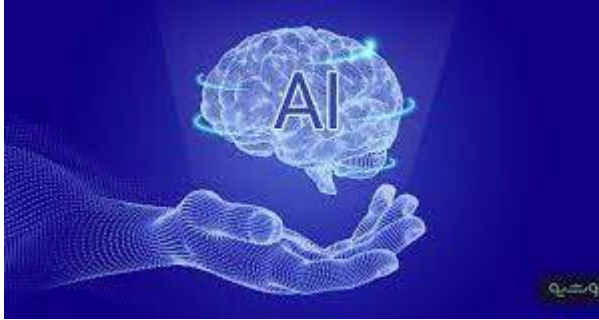
ناشر این کتاب نشر بان است و چاپ چهاردهم آنرا در فروردین ماه امسال (1402) در ۱۷۶ صفحه منتشر کرده است. این کتاب را می‌توانید از فروشگاه نشر بان (به آدرس زیر) تهیه فرمایید. همچنین کلیه اعضای سندیکاهای کارگری کشور نیز می‌توانند آنرا از کتابخانه سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران به امانت گرفته، پس از مطالعه بازگردانند.

خواندن این کتاب روشنگر را به همه کارگران آگاه و فرزندان جوان و خانواده‌های گرامی آنها توصیه می‌کنیم.

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

عضو اتحادیه جهانی صنعتی Industrial Global Union

چرا هوش مصنوعی نه؟



“ابزار جدیدی در دست بشریت، یا یک بت مدرن؟”

از من پرسید: راجع به “چَت جی پی تی (ChatGPT)” چیزی شنیدید؟

نه! چی هست؟

یه نرم افزار مربوط به هوش مصنوعیه که هر سوالی ازش بپرسی بهت جواب میده.

-هر سوالی؟ - آره، جواب همه سوالها رو میدونه. هر چی میپرسی بهت جواب میده. از اسمش معلومه دیگه: “هوش مصنوعی”! دیگه نیازی به مطالعه کردن و کتاب خواندن نیست. نسل جدید دیگه روشهای خودش رو برای گرفتن جواب مسائلیش داره و با نسل شما فرق داره. نباید خیال کنید فقط با یک روش، اون هم روشی که شما خیال می کنید درسته میشه جواب سوالها رو پیدا کرد. نسل جدید دیگه زیر بار زور بزرگترها و روشهای کهنه و منسوخ اونها نمیره. شما هم نباید فکر کنید چون ما طبق روش شما جلو نمیریم پس چیزی از مسائل دنیا نمیفهمیم. نسل ما روشهای پیشرفته تری نسبت به شماها داره و...

خلاصه چانه اش حسابی گرم شده بود و به قول معروف رفته بود بالای منبر که من رو متهم کنه به خشک مغزی و تحجر! پیش خودم به فکر فرو رفتم که معنی این “جوابهای حاضر و آماده” چیست؟ یعنی چه که “یک چیزی هست که جواب همه سوالها را میداند”؟ اگر اینطور بود، پس چرا این همه جنگ و خونریزی و فقر و فلاکت و بی عدالتی در دنیا داریم؟ خب میرفتیم سراغ همین به اصطلاح هوش مصنوعی و از حضرتش می پرسیدیم که: “چه باید کرد؟” و ایشان هم خیلی با متانت و بردباری، بادی به غیغ می انداخت و با نگاهی از بالا

و عاقل اندر سفیه با ما می‌گفت: “بروید این کار و آن کار را بکنید، درست میشود!” و بعد همه به خوبی و خوشی در کنار یکدیگر در صلح و صفا و در کمال آرامش زندگی می‌کردیم. نمیشد؟ این چه کاریست که این همه خرج کنیم و مدرسه و دانشگاه و کتابخانه بسازیم، بعد این همه جوان بروند وقت و انرژی و شور جوانیشان را بگذارند تلف شود که تازه بیایند بیرون ببینند “یک چیزی هست که جواب همه سوالها را میداند”؟

در ثانی مگر خیلی از مسائل چندین جواب درست ولی متفاوت ندارند؟ می‌دانیم که در عمل همینطور است. این خود ما هستیم که بر حسب موقعیت و منطق بر شرایط خاص هر مسأله‌ای جواب متناسب، یا شاید بهترین جواب را انتخاب می‌کنیم.

سوم اینکه در مسایل علمی، مثل قوانین جاذبه و یا واکاوی مولکول آب و خاصیت قطبی بودن آن، روابط و معادلات ریاضی پیچیده، و... میتوان به هوش مصنوعی مراجعه کرد. ولی آیا مثلاً در مسائل فلسفی هم که از سوی خود فلاسفه مورد مناقشه است، هوش مصنوعی میتواند بفهمد کدام پاسخ درست است؟ آیا این حضرت بالاتر از همه فلاسفه همه اعصار خواهد اندیشید؟! آن جوان امروزی که “پاسخ همه مسایل” را در اختیار آن حضرت هوش مصنوعی میبیند، آیا رفته چند خط کتاب بخواند و مطالعه کند تا ببیند مثلاً آدمی مثل ارنستو چه‌گوارا با هدف “درمان دردهای بشریت” به دانشکده پزشکی رفته و پزشک حادثی هم شده، بعداً که سفرهای بسیار رفته، تازه متوجه شده که “دردهای بشریت” اصلاً اینها نیست؟ آن حضرت هوش مصنوعی مثل بسیاری از فریب‌خوردگان دستگاه خبری نظام حاکم جهان امروزی، در پاسخ به این پرسش که “چرا فقر در اکثر جوامع دنیا وجود دارد؟” آیا همان پاسخ نخ‌نما و پوشالین معروف را نخواهد داد که: “چون اکثر انسانها تنبل و بی‌عار هستند”؟ و اینگونه موضوع عدالت اجتماعی را برایمان به فراموشی خواهد سپرد؟

و اما چهارم اینکه مگر هوش مصنوعی ساخته (مصنوع) خود انسان نیست؟ پس چطور می‌خواهد ورای خود ما و بالاتر از ما فکر(!؟) کند؟ مسائلی را که بشریت قرن‌هاست برای حل آن می‌کوشد، این بت مدرن دنیای امروز چگونه می‌خواهد برای ما حل کند؟

از همه اینها گذشته، با خودم فکر کردم که در گفتگو با آن جوان رعنا منظور من از “مطالعه کردن” فقط خواندن کتابهای کاغذی، و حتی الکترونیکی هم نبوده. این را صراحتاً به آن “جوان امروزی” گفته بودم و تاکید کرده بودم. به او گفته بودم که “کتاب خواندن” (از هر نوعش) تنها یکی از راه‌های مطالعه کردن است. اینطوری سر فرصت یکجا مینشینی، در تفکر فرو میروی و خودت فکر میکنی. خودت استدلال میکنی و مسایل را مورد تجزیه و تحلیل قرار میدی و راجع به آنها تحقیق و تفحص می‌کنی. با منابع دیگر آشنا میشوی و کم‌کم ذهن پویا و پرسشگری خواهی یافت و هر جوابی را به آسانی نخواهی پذیرفت. اینگونه

دیگر منتظر “جوابهای حاضر و آماده” نخواهی نشست تا هر کس قوی‌تر بود بتواند جوابهایی را به میل و سلیقه و مطامع شخصی خودش در ذهن تو بگنجاند. منظور من از مطالعه کردن، صد البته در امتداد خواندن کتاب و مجله و روزنامه و هر نشریه مفید دیگری، همین افزایش توانایی استدلال و تجزیه و تحلیل مسایل است که مسلماً نگاه بت‌واره به این مصنوع جدید بشر، جلوی آن را خواهد گرفت.

توی این فکرها بودم که ناگهان یاد آن اصطلاح معروف افتادم: “امپریالیزم خبری”! مگر نه اینست که جهان سرمایه‌داری سعی در انحراف ذهن اکثریت مطلق انسانها دارد تا بتواند جهان را آنطور که خودش می‌خواهد مورد غارت و چپاول قرار دهد؟ این همه شبکه‌های فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای و تلویزیونی و... که تقریباً همه‌شان در خدمت تبلیغات مسموم و زهرآگین سرمایه‌داری جهانی هستند مگر بیکار نشسته‌اند؟ همانها که تا همین حالا هم برای بسیاری از مسایل دنیای ما، “جوابهای حاضر و آماده” به خوردمان داده‌اند تا خودمان نیندیشیم! آیا همان رهبران نظام مسلط جهانی، احتمالاً خداوندگاران و خالقان همین حضرت هوش مصنوعی نیستند تا ما را از هوش طبیعی محروم کنند؟ آیا آنها نمیخواهند لقمه حاضر و آماده جوییده شده در آن دهانهای کثیفشان را به خورد ما بدهند؟ چقدر چندش آور است! نه؟

در مورد عراق به ما گفتند که زرادخانه‌های هسته‌ای و ذخایر بمبهای شیمیایی و میکروبی بسیار مرگباری دارد، که ما می‌آییم نابودشان می‌کنیم. ولی نه تنها هیچ سلاح ش‌م‌ر [۱] در آنجا یافت نکردند، بلکه حتی بعد از رفتنشان، مشخص شد خودشان با به‌کارگیری حجم عظیمی از سلاحهای رادیواکتیو ضعیف شده، آنچنان باعث آلودگی اتمی آب و محیط زیست کشور عراق شده بودند، که آمار تولد نوزادان ناقص‌الخلقه در آن کشور به شدتی وحشت‌انگیز بالا برود. [۲]

با آن جوان که صحبت می‌کردم، در قالب همان چند جمله کوتاهی که به من اجازه حرف زدن داده بود گفتم که همه ابزارها برای افزایش فهم و درک ما از جهان باید به کار گرفته شود، حتی همین به قول شما هوش مصنوعی! اما صرف در اختیار داشتن یک ابزار نباید باعث شود که ما سایر ابزارها را کنار بگذاریم؛ خصوصاً ابزار جا افتاده و کهن و ریشه‌داری چون کتاب را. من منکر این نیستم که تماشای ماهواره و استفاده از فضای مجازی و حتی همین هوش مصنوعی هم برای رشد درک و فهم ما ضروری است و باید از آنها بهره بگیریم، ولی پذیرفتن تمام آنچه به خورد ما میدهند با چشم و گوش بسته بر خلاف عقل سلیم است. باید خودمان تفکر کنیم، خودمان همه چیز را تجزیه و تحلیل کنیم، تا بفهمیم در دنیای ما چه می‌گذرد.

روزی با یک متخصص زده علوم کامپیوتر که برای خودش جاه و جلالی در یکی از شرکت‌های بزرگ دارد گفتگوهایی خودمانی و از هر دری میکردم. لا به لای صحبت‌هایش گفت: شنیدی دانشمندا میخوان به سیاره دیگه بیارن نزدیک زمین برای کم کردن جمعیت کره زمین؟ خیلی کار بزرگیه‌ها! نه؟ چی بشه اون روز!

- از "من و تو" شنیدی؟ ناگهان با چشم‌های از حدقه درآمده و متعجب گفت: آره! از کجا فهمیدی؟ تو هم دیدی؟

-نه، اینو ندیدم، ولی مختصر نگاهی که هر از چندی از سر کنجکاوای به این تیپ شبکه مبهکه‌ها(!) میندازم، فهمیدم که این مهملات رو فقط این جور جاها میشه دید و شنید!!

ناگهان با ناراحتی و قیافه حق به جانب گفت: چرا مهملات؟ خب به کار علمیه دیگه! حتما میشه که دارن بهش فکر میکنن دیگه!

-آخه آدم حسابی! تو مثلا درس خونده هستی. ایساتسی که توی مهندسی گرفتی به کنار، در همون سطح دبیرستان اگر درست مطالعه کرده بودی و درسها رو تجزیه و تحلیل میکردی و میفهمیدی، الان نباید این جفنگیات رو میپذیرفتی! تو مگه در رشته ریاضی-فیزیک دبیرستان، درس فیزیک نخوندی تا لااقل قوانین بقای اندازه حرکت خطی و زاویه‌ای [۳] به گوشت خورده باشه؟ - چه ربطی داره؟

-خب پس گوش کن: اگر به فرض محال بپذیریم که علوم مهندسی اونقدر پیشرفت کرده باشه که بتونه به سیاره دیگه (فرضا هم اندازه با زمین) به کنار زمین بیاره، آیا این منظومه جدید، با جرم دو برابر (یا حالا کمی بیشتر یا کمتر) قرار نیست همچنان دور خورشید بگرده؟ ثابت که قرار نیست بایسته؟ ها؟ - خب که چی؟

-حالا: طبق قوانین فیزیکی که گفتیم، برای اینکه این منظومه در همین فاصله طلایی با خورشید باقی بمونه (که لازمه حفظ حیات بر روی زمین) آیا با توجه به افزایش جرم منظومه دو سیاره‌ای (مثلا به اندازه تقریبا همون دو برابر) آیا به نظرت زمان سال زمینی دو برابر نمیشه؟ - خب مگه چیه؟ بشه...!

-مگه چیه؟! واقعا پیش خودت فکر نمیکنی که حیات روی زمین تحمل تابستانها و زمستانهای طولانی رو داره یا نه؟ به این فکر نمیکنی که همین الان فقط با کمتر از یک درجه گرمتر شدن کره زمین یخهای قطبی در حال آب شدن و کل حیات روی این سیاره داره

کمکم در خطر نابودی قرار میگیره؟ متوجه افزایش خشکسالی و رشد بیابانای لمیزرع روی زمین نیستی واقعا؟

— حالا... اگه بخواییم اینطوری سخت بگیریم که هیچی رو نباید قبول کنیم! ها؟

با خودم فکر کردم معلوم است که این جماعت با همه تخصصی که فقط در یک زمینه آن هم به شکل طوطی وار به دست آورده اند، چون کلا اهل مطالعه و کنکاش نیستند به این چیزها فکر هم نمیکند، چون “من و تو” و “PMC و ایران اینترنشنال” و... از این چیزها حرف نمیزنند! این شبکه ها لقمه جویده شده حاضر و آماده توی دهان مخاطبین میگذارند، و برای بسیاری مسایل “جوابهای حاضر و آماده” دارند. چون مخاطبین پر و پا قرص این رسانه ها دچار تنبلی ذهنی و رخوت و رکود فکری هستند، و کتاب نمیخوانند؛ آنها از هوش طبیعی بری هستند و محتاج هوش مصنوعی اند!

کاری از بخش پژوهش و آموزش سندیکای فلزکارمکانیک ایران
[1] شیمیایی-میکربی-رادیواکتیوی

[2] کتاب “به من دروغ نگو” — از مجموعه “پشت پرده مخملین”، دفتر ۲ — به کوشش جان پیلجر، ترجمه مهرداد (خلیل) شهابی و میر محمود شهابی — از انتشارات “کتاب آمه”

[3] بر طبق این قوانین، برای یک جسم که با سرعت مشخص تحت نیرویی معین در حال حرکت (خطی یا زاویه ای) است، حاصل ضرب نیرو در سرعت (خطی یا زاویه ای) همواره مقداری است ثابت. برای مثال در حرکت دورانی (زاویه ای) (زمین به دور خورشید، اندازه حرکت زاویه ای برابر حاصل ضرب نیروی جاذبه خورشید (به عنوان تابعی از وزن یا جرم کره زمین) و سرعت دورانی زمین به دور خورشید (یک دوران کامل در سال) می باشد.

**دفاع از دستمزد برابر در مقابل کار برابر و حقوق برابر
کاری در کارگاهها و کارخانه ها، بخش جدایی ناپذیر از
مبارزه ای گسترده برای کسب برابری میان زنان و مردان
در تمام سطوح اجتماعی است.**

شرایط عینی و ذهنی

شرایط عینی انقلاب با ظهور ناخرسندی عمومی در اثر اتخاذ سیاست ضد ملی و ضد دمکراتیک که میان امکانات رشد جامعه و واقعیت دشوار زندگی اکثریت مردم، به وجود می‌آید. ناخشنودی کم کم به درون طبقات حاکم نیز سرایت کرده و حتا عناصری از آنها را به سوی مخالفت با حاکمیت می‌کشاند. مبارزات طبقه کارگر و دیگر قشرهای زحمتکش و مترقی، جامعه را به سمت گسترش نارضایتی سوق می‌دهد. پایداری اعتراضات مردمی که به اشکال مختلف بروز می‌کند علیرغم محیط وحشت و اربابی که دستگاه امنیتی به وجود می‌آورد، رفته رفته شکل می‌گیرد و در مجموع خود وسعت می‌یابد. شرایط عینی باعث ایستادگی گسترده مردم در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها با اعتصابات کارگری همراه خواهد شد.

در سوی دیگر نیروهای ضد کارگری که تلاش می‌کنند در حاکمیت نقشی داشته باشند ولی به حاشیه رانده شده اند احساس خطر کرده منافع خود را در خطر می‌بینند دوگانه عمل کرده بخشی می‌خواهند در حاکمیت دست بالا را پیدا کنند و بخشی هم در هم سنگی با نیروهای مترقی می‌خواهند جایی در جبهه ضد دیکتاتوری پیدا کنند. زحمتکشان و نیروهای مترقی باید به سازماندهی و انتشار برنامه خود، و توضیح صبورانه این برنامه به مردم، آنان را به سوی خود با اعتماد سازی بکشانند و تلاشگرانه سرگرم انجام وظیفه خود باشند. فراهم نبودن صد در صد شرایط ذهنی نباید زحمتکشان را نااشکیبا کند.

این وظیفه نیروهای انقلابی هست که شرایط ذهنی را آماده سازند و از سیاست دنباله روی از یک لایه بورژوازی و امید به آن دست بردارند. در این شرایط نقش عامل ذهنی یعنی تشکل و سازماندهی، سیاست صحیح و عمل درست و پیگیر سازمان‌های صنفی و سیاسی طبقه کارگر است که می‌تواند جسارت انقلابی را با واقع بینی و هوشمندی سیاسی در آمیزد، اهمیت فوق العاده ای کسب میکند.

شرایط ذهنی انقلاب با برنامه ریزی پیش‌آهنگان طبقه کارگر و در پیش‌گیری سیاست مستقل طبقاتی فراهم خواهد شد. این شرایط با دست روی گذاشتن

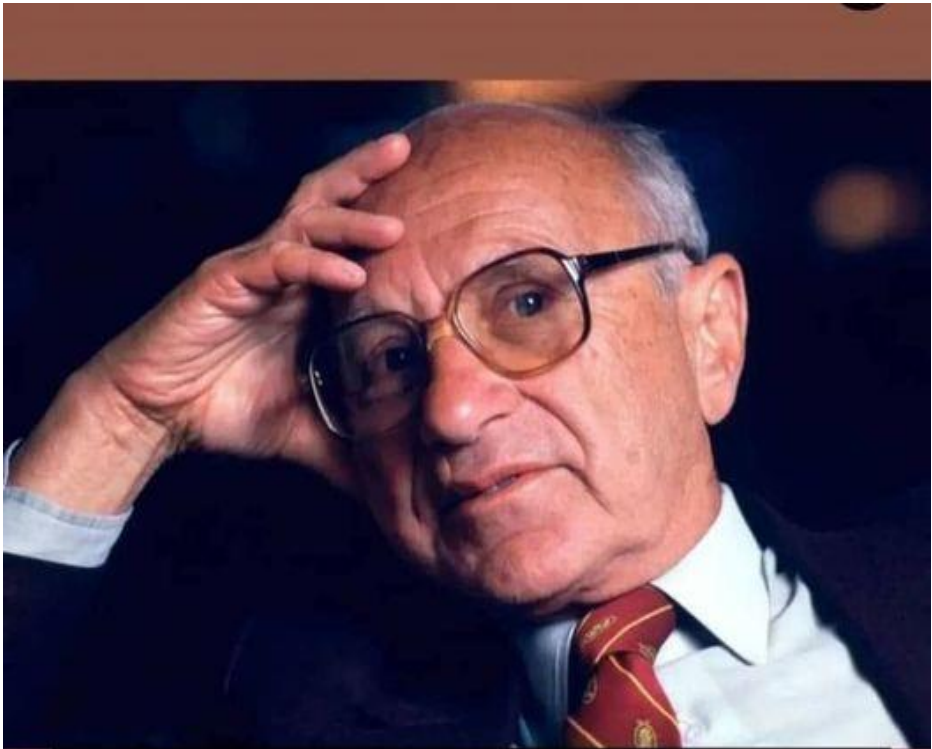
و یا با دنباله روی از یک لایه بورژوازی و یا با امید داشتن به نگاه یک لایه ناروشن به دست نمی آید.

برای آنکه امکانی که بر اثر وجود شرایط عینی بوجود آمده به واقعیت بدل شود باید علاوه بر “وضع انقلابی”، شرایط ذهنی انقلاب نیز فراهم گردد، و این نیست مگر سازمان متشکل و یا نفوذ و مجرب پیشاهنگان انقلابی، یگانگی و جنبش همه نیروهای انقلابی و تحول طلب و در مرکز آنها حزب طبقه کارگر. چنین کاری فقط از عهده نیروهای متحد انقلابی و توده های مبارز تحول طلب و در مرکز آنها، پیشاهنگ طبقه انقلابی یعنی حزب طبقه کارگر برمی آید. بنابراین روح وهسته اصلی “شرایط ذهنی انقلاب” را حزب طبقه کارگر تشکیل می دهد.

کشاورز نمونه

کشاورزی برنده تولید برتر شناخته شد و جایزه ی بزرگ جشوارة کشاورزی را دریافت کرد. او هر سال در این جشنواره ی کشوری شرکت می کرد و به عنوان یکی از بهترین کشاورزهای نمونه برگزیده می شد. روزی روزنامه نگاری با او مصاحبه ای انجام داد تا راز موفقیتش را بداند. هنگام گزارش، روزنامه نگار پی برد که او هر سال، مقدار قابل توجهی از محصولاتش را بین همسایه ها تقسیم می کند تا آنها برای کاشت خود از آن استفاده کنند. روزنامه نگار که از عمل این کشاورز، بسیار متعجب شده بود، از او پرسید: «تمامی این افراد، رقیب شما هستند و شما برای کاشت محصول خوب، به آنها بهترین بذر خود را می دهید!! چرا؟» کشاورز گفت: «چرا ندهم!!؟ مگر نمی دانید باد، گرده ها را از مزرعه ای به مزرعه ی دیگر پخش می کند. اگر همسایه های من، محصول نامرغوبی به عمل آورند در آن صورت بر اثر گرده افشانی، کیفیت محصول من نیز پایین می آید؛ اما اگر من در رشد کیفیت محصول همسایه هایم تلاش کنم، به بهبودی کیفیت محصولات خودم هم کمک کرده ام؛ در واقع این، بزرگترین خدمت به خودم است.» نگاه و اندیشه ی این کشاورز را میتوان به دیگر ابعاد زندگی نیز تعمیم داد:

اگر صلح و آرامش را دوست داریم باید برای صلح و آرامش دیگران قدم برداریم. اگر در شهر و کشور من صلح برقرار نباشد، چگونه می توانم در محله و خانه من آرامش برقرار باشد. اگر آسایش خودم را دوست دارم باید برای زندگی همکارانم نیز آسایش فراهم کنم. چون همکاران آسیب دیده نمی توانند به من کمک کنند. اگر می خواهیم خوشبخت زندگی کنیم باید برای خوشبختی دیگران تلاش کنیم...



میلتون فریدمن ، اقتصاددان آمریکایی تورم را مالیات پنهان
 مینامد. وی معتقد است تورم یک مالیات پنهان و غیر
 قانونیست که پیش از رسیدن درآمد مردم بدستشان توسط
 دولت برداشت میشود. بر خلاف تصور ما تورم یک امر
 اتفاقی نبوده و در اغلب موارد کاملاً آگاهانه توسط دولتها
 انجام میگردد و هدف آن تامین درآمد دولت از کیسه مردم
 است. حال این وسط میمانند مردم نادانی که تصور میکنند
 دولت در صدد چاره برای رفع مشکل آنهاست



یک نماینده مجلس:
۳ میلیون خانوار ایرانی در فقر مطلق،
۲۰ میلیون نفر در شرایط نامناسب